

## تحول حقوق جهانی بزه‌دیدگان

### بر پایه‌ی اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه

مهرداد رایجیان اصلی<sup>۱</sup>

#### چکیده

در میان سندهای گوناگون حقوق بشری که هنجارهای نظام بین‌المللی حقوق بشر را بازتاب می‌دهند، سندهای مهمی به چشم می‌خورند که با جهت‌گیری به سوی بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، ملاک‌های جهانی حمایت از بزه‌دیدگان را می‌توان در آنها جست‌وجو کرد. در این میان، اعلامیه‌ی اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵)، و اصول و رهنمودهای بنیادی درباره‌ی حق جبران و ترمیم (۲۰۰۶) را، به‌منزله‌ی دو سند هنجارین در سطح سیاست جنائی سازمان ملل متحد، بی‌گمان می‌توان به‌مثابه‌ی منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان به‌شمار آورد. از آنجا که ملاک‌های بازتاب‌یافته در این منشور به تصویب مجموعه سندهای بین‌المللی دیگری انجامیده‌اند که حقوق بزه‌دیدگان را تقویت می‌کنند، در بستر نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌توان از جهت‌گیری یا روی‌کردی سخن گفت که در این مقاله حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار نامیده شده است. حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار، بر پایه‌ی اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) در چهارچوب دادرسی عادلانه، که خود از اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر برمی‌خیزد، در وهله‌ی نخست

دربرگیرنده ملاک‌ها و هنجارهایی است که حقوق به رسمیت شناخته شده بین‌المللی برای همه بزه‌دیدگان را در منشور بزه‌دیدگان بازتاب می‌دهند و در وهله دوم، ملاک‌ها و هنجارهایی را دربرمی‌گیرد که از گروه‌های خاص بزه‌دیدگان (با تأکید بر بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی که در حقوق بین‌المللی کیفری به‌منزله جنایت‌های بین‌المللی و جرم‌های سازمان‌یافته فراملی جرم‌انگاری می‌شوند)، حمایت می‌کنند. در حمایت از همه این بزه‌دیدگان، هم‌ترازی میان حقوق آنان و متهمان (یا همان بزه‌دیده‌سازان) همواره به‌منزله اصلی راه‌بردی در چهارچوب یک دادرسی عادلانه حاکم است.

### واژگان کلیدی

حقوق بشر، حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار، اصل خدشه‌ناپذیری، اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم، حقوق بزه‌دیدگان، دادرسی عادلانه، دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه، حق جبران، حمایت از بزه‌دیده، بزه‌دیدگان خاص، سوءاستفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی.

## درآمد

حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار دست‌آورد تعامل جنبش حقوق بشر با جنبش حمایت از بزه‌دیده در میانه سده بیستم است که پیدایش آن را از دریچه تحقیق دانشگاهی می‌توان در پیوند حقوق بین‌المللی حقوق بشر، به‌منزله یک رشته مطالعاتی مستقل، با بزه‌دیده‌شناسی، به‌مثابه یک حوزه مطالعاتی خاص، جست‌وجو کرد. تردیدی نیست که بزه‌دیده‌شناسی (یا دانش مطالعه بزه‌دیدگان) در برخی از هدف‌های جنبش حقوق بشر نقش داشته است. زیرا، برخی از نام‌دارترین پیش‌گامان این دانش (مانند مندلسون) آن را در بستر نقض‌های حقوق بشری رخ داده در جنگ جهانی دوم، که خود نیز قربانی آن بودند، تعریف می‌کردند [۳: ۱۵].

حقوق بشر که در چهارچوب حقوق بین‌المللی قراردادی و عرفی تدوین شده اند، عبارت اند از دسته متنوعی از حقوق ایجابی (مانند تأمین رفاه و آموزش و پرورش) و حقوق سلبی (مانند منع تبعیض و شکنجه) که هدف آنها ارتقاء و حمایت از کرامت انسانی است. اگر هر یک از این حقوق نقض شوند، فرد دارنده آن حق نقض‌شده قربانی (بزه‌دیده) خوانده می‌شود. بدین سان، می‌توان گفت که در گفتمان علوم جنائی معاصر، مفهوم بزه‌دیدگی پیش از بزه‌دیده‌شناسی مطرح بوده است.<sup>۲</sup>

بزه‌دیده‌شناسی به دنبال شناخت علت‌ها و آثار بزه‌دیدگی است و هدف آن عبارت است از یافتن پاسخی سودمند به آثار منفی بزه‌دیدگی گذشته و پیش‌گیری از بزه‌دیدگی آینده (و در بستر نقض‌های حقوق بشری، یعنی پیش‌گیری از جنایت‌کاری‌های آینده). بدین سان، یکی از هدف‌های مهم بزه‌دیده‌شناسی، همچون حقوق بشر، تضمین کرامت انسانی است.

تاریخ حقوق بشر نمایانگر کوشش برای تضمین کرامت انسانی است. واقعیت

۲. در این زمینه، ر.ک.: رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنائی؛ مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳-۵۲، صص ۸۰-۷۶.

آن است که با وجود برجستگی اندیشه‌های غربی در پیدایش حقوق بشر، این مفهوم را اندیشمندان و شخصیت‌هایی از سنت‌های دینی و فرهنگی گوناگون پدید آورده و گسترش دادند.<sup>۳</sup> در این میان، حکمرانان نیز به ارتقاء و رواج این اندیشه بسیار کمک کردند؛ هرچند پشت پرده حمایت قانونی از این حقوق همواره آنها را نقض نیز می‌کرده‌اند. این مسأله سبب شد تا ملت‌ها برای تعیین قواعد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، به ویژه پس از رخداد دو جنگ جهانی در سده بیستم، گام‌های مهمی بردارند. در همان زمان‌ها بود که بزه‌دیده‌شناسی نیز از بستر برخی از این پیش‌رفت‌های حقوق بشری سربرآورد.

در این میان، سازمان ملل متحد که اختیار رواج و تضمین صلح و امنیت بین‌المللی، رواج دادن روابط دوستانه و حل مسالمت‌جویانه مسائل بین‌المللی در حوزه امور اقتصادی، اجتماعی و بشردوستانه را بر عهده دارد، همواره تلاش کرده است تا الگوی مناسبی را برای طرح‌ریزی و اعمال یک سیاست جنائی بین‌المللی تعریف کند که هم‌زمان بر دو مدار بزه‌کار و بزه‌دیده بچرخد. از این رو، هرچند سازمان ملل با توجه به جنایت‌های جنگ جهانی دوم، پیش‌گیری از تهدیدهای علیه صلح و امنیت بین‌المللی و اعمال عدالت جنائی نسبت به نقض‌های حقوق بشری را نخست در پاسخ قاطعانه کيفری به جنایت‌کاران این جنگ جست‌وجو می‌کرد، از همان آغاز همواره به رعایت اصول و ملاک‌های حقوق بشری در سیاست جنائی خود تأکید داشته است. بدین سان، در پرتو رسالت پیش‌گیری از جرم و عدالت جنائی سازمان ملل می‌توان گرایش یا روی‌کردی حقوق بشری را شناسایی کرد. از نظرگاه این روی‌کرد حقوق بشری، پیش‌گیری از جرم (که هم‌زمان پیش‌گیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی را دربردارد) در کنار عدالت جنائی (که الگوهای عدالت سزاهدنده، عدالت مبتنی بر اصلاح و بازپروری، و عدالت

۳. در این زمینه، ر.ک.: موحّد، محمد علی؛ در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر؛ نشر کارنامه، ۱۳۸۱، صص ۲۹-۴۲۳.

ترمیمی اجتماع‌مدار در آن می‌گنجد) نه تنها نشان‌دهنده گرایش بزه‌کارمدار سازمان ملل بر پایه مفهوم دادرسی عادلانه<sup>۴</sup> اند، بلکه از گرایش بزه‌دیده‌مدار این سازمان بر پایه مفهوم دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه<sup>۵</sup> حکایت می‌کنند؛ به گونه‌ای که، امروزه در گفتمان جهانی شدن حقوق کیفری می‌توان از یک حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار سخن گفت که در سرلوحه برنامه‌های سیاست جنائی سازمان ملل از دو دهه پایانی سده بیستم تا آغازین دهه هزاره سوم قرار دارد.

**دادرسی عادلانه** به سخن ساده عبارت است از دادرسی از رهگذر دادگاهی بی طرف و ناوابسته و سازگار با آیین دادرسی قانونمند که به‌ویژه در دادرسی‌های کیفری بر پایه احترام به حقوق بنیادی و قانونی متهم (بزه‌کار) اهمیتی دوچندان می‌یابد. نوع دادگاه و چگونگی تشکیل آن (با تأکید بر علنی بودن رسیدگی‌ها)، نوع دادرسی و شیوه برگزاری و اداره آن (به‌ویژه در رسیدگی به اتهام یا اتهام‌های فرد)، چگونگی برگزیدن دادرسان و شرایط و ویژگی‌های آنان (با تأکید بر اصل استقلال و بی‌طرفی)؛ و نیز امکاناتی که متهم برای دفاع از خود نیاز دارد (از جمله، داشتن وکیل)، همگی از سرفصل‌های مهم دادرسی عادلانه اند [۷: ۱۰۵].

بدین سان، **حق دادرسی عادلانه** — به‌منزله یک هنجار شناخته‌شده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر — از افراد در برابر محروم کردن یا محدود ساختن حقوق و آزادی‌های بنیادی‌شان حمایت می‌کند.<sup>۶</sup> از دیدگاه عدالت جنائی، این حق عبارت است از به رسمیت شناختن حقوقی برای متهم (به زبان آیین دادرسی کیفری) یا بزه‌کار (به

4. fair trial

5. access to justice and fair treatment

۶. بر همین پایه، اصطلاح دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه (trial impartial and fair) نیز برای بیان این مفهوم به کار می‌رود [۱۵۴۳: ۱۱].

۷. در این زمینه، ر.ک.: ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. بر پایه بند ۱ این ماده از میثاق: «...هر کس حق دارد که از دادرسی عادلانه و علنی در دادگاهی مستقل و بی‌طرف و قانونی بهره‌مند بوده و آن دادگاه درباره درستی اتهام‌های علیه او ...تصمیم‌گیری کند».

زبان جرم‌شناسانه)، و نیز پیش‌بینی تضمین‌هایی برای رعایت آنها که پس از رخداد جرم، از زمان دست‌گیری او آغاز شده و تا صدور حکم قطعی و اجرای آن درباره‌ی وی ادامه می‌یابند (دادرسی عادلانه در چهارچوب فرایند عدالت جنائی)، و نادیده گرفتن یا رعایت نکردن آنها نقض یک هنجار شناخته‌شده بین‌المللی انگاشته می‌شود.

از این رو، مفهوم دادرسی عادلانه نمایانگر گرایشی در سیاست جنائی ملل متحد است که نه تنها با بینشی بزه‌کارمدارُ اجرای عدالت جنائی نسبت به مرتکب جرم را ایجاب می‌کند، بلکه بر پایه‌ی ملاک‌های بین‌المللی حقوق بشر، نادیده گرفتن یا رعایت نکردن حقوق متهم یا بزه‌کار را در چهارچوب فرایند عدالت جنائی نقض یک هنجار شناخته‌شده حقوق بشری انگاشته و بدین سان، با بینشی بزه‌دیده‌مدار فرد زیان‌دیده را قربانی نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی‌اش می‌شناسد. در نتیجه، هر رفتاری که با نشانه رفتن حق زندگی یا آزادی (به‌منزله بنیادی‌ترین حقوق مدنی و سیاسی)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی متهم یا بزه‌کار را نقض و پامال کند — از دست‌گیری یا بازداشت خودسرانه و غیرقانونی، انواع شکنجه‌های بدنی یا روانی، تا بی‌احترامی و هتک حرمت به کرامت انسانی یا شخصیت فرد، و نقض خلوت و حریم خصوصی او و .... — نقض مسلم حقوق بشر شمرده شده و فرد زیان‌دیده را می‌توان قربانی (بزه‌دیده) چنین رفتارهایی انگاشت.

این گرایش در سیاست جنائی سازمان ملل متحد به رهیافت بزه‌دیده‌مدارانه‌ای انجامید که افزون بر متهمان یا بزه‌کاران زیان‌دیده از رعایت نشدن اصول دادرسی عادلانه، به‌منزله قربانیان نقض عدالت جنائی حقوق بشری، دیگر شهروندانی را که به‌منزله افراد بی‌گناه قربانی نقض مجرمانه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی‌شان به‌ویژه از سوی دولت‌ها و کارگزاران حکومتی می‌شوند، به طور کلی بزه‌دیده می‌انگارد [۱۴۴: ۵].

تعبیری که آن را می‌توان نمایانگر این گرایش بزه‌دیده‌مدار سازمان ملل دانست،

دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه نام دارد که با الهام از یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی فصل جدیدی با عنوان حقوق بزه‌دیده را در گفتمان سیاست جنائی و نوشتگان علوم جنائی گشوده است. سازمان ملل از رهگذر این مفهوم نه‌تنها تلاش می‌کند تا بر پایه مفهوم رسمی-حقوقی بزه‌دیدگی<sup>۸</sup> از بزه‌دیدگان جرم‌های متداول حقوق داخلی حمایت کند، بلکه به حمایت از قربانیان نقض‌های حقوق بشری نیز اهمیت می‌دهد.<sup>۹</sup>

بدین سان، حقوق بزه‌دیده — بر پایه مفهوم دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه — در کنار حقوق متهم یا بزه‌کار — بر پایه مفهوم دادرسی عادلانه — دو ضلع اصلی عدالت جنائی حقوق بشری معاصر را تشکیل می‌دهند. ولی، از آنجا که اصول دادرسی عادلانه به همان اندازه برای تضمین جلوگیری از نقض حقوق بنیادین بشر پیش‌بینی شده اند که اصول رفتار منصفانه برای احقاق حقوق انسانی بزه‌دیدگان، جهت‌گیری هر دو مفهوم را می‌توان بر پایه روی کردی توجیه کرد که در این مقاله حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار نامیده شده است. به همین دلیل، در نظام بین‌المللی حقوق بشر، شکنجه یک متهم در حقیقت بزه‌کار به همان اندازه جنایتی است علیه بشریت که پاک‌سازی گروهی اقلیت‌های نژادی. این واقعیتی است که سیر تحول گفتمان حقوق بشر نیمه دوم سده بیستم — از بزه‌کارمداری تا بزه‌دیده‌مداری — را بر پایه آن می‌توان درک کرد؛ واقعیتی که جلوه‌های گوناگون آن در حوزه حقوق بزه‌دیده موضوع اصلی این مقاله را می‌سازند.

بر این پایه، ضمن بررسی ملاک‌های جهانی حمایت از بزه‌دیده در بستر حقوق به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی برای بزه‌دیدگان و چگونگی تحول این ملاک‌ها (گفتار نخست)، مهم‌ترین جلوه‌های این حقوق به رسمیت شناخته‌شده، که بر پایه این

---

۸. در چهارچوب بزه‌دیده‌شناسی سنتی، که برخی از جرم‌شناسان (مانند وان دیک) آن را قربانی‌شناسی کیفی می‌نامند، فقط قربانیان رخدادهایی که در قانون جرم‌انگاری شده اند، مطالعه می‌شوند. بدین سان، بزه‌دیدگی را باید تنها بر پایه مفهوم رسمی-حقوقی جرم که در قانون مشخص شده و در حقوق کیفری مطالعه می‌شود، تعریف کرد.

۹. برای آگاهی بیشتر، رک: رایجیان اصلی، مهرداد؛ جرم‌انگاری سوءاستفاده از قدرت در پرتو تعامل نظام حقوق بشر و حقوق کیفری؛ صص ۵۰-۱۴۸.

ملاک‌ها برای گروه‌های خاص بزه‌دیدگان در نظام بین‌المللی حقوق بشر معاصر در نظر گرفته شده‌اند، تحلیل خواهند شد (گفتار دوم). در سراسر این مقاله، بر هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) - به‌منزلهٔ اصل راه‌بردی دادرسی عادلانه - همواره تأکید شده و بدین سان، حقوق بزه‌دیدگان یکی از رکن‌های مهم دادرسی عادلانهٔ مدرن و امروزی شناخته شده‌اند.

### گفتار نخست: حقوق جهانی بزه‌دیدگان در پرتو مفهوم دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه

شریف بسیونی، حقوق‌دان نام‌دار بین‌المللی، در مقالهٔ مفصلی با عنوان شناسایی بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان<sup>۱۰</sup> که در آن شمای کلی نظریه‌ای دربارهٔ حقوق بزه‌دیدگان را به تصویر کشیده، از گسترش هنجارهای کنونی در این زمینه سخن به میان آورده است. به باور او، بر پایهٔ این هنجارها، دولت‌ها باید ضمن احترام به هنجارهای حقوق بین‌المللی بشر و حقوق بشردوستانه، اجرای این هنجارها و احترام به آنها را تضمین کنند [۲۰۴: ۹]. این تعهد دربردارندهٔ پیش‌گیری از رخداد نقض‌های حقوق بشری، پی‌گرد کیفی آنها، و مجازات مرتکبان این نقض‌هاست. در این میان، سازمان ملل متحد در راستای رسالت پیش‌گیری از جرم و عدالت جنائی خود و ضمن توجه به نیازهای بزه‌دیدگان، در سه دههٔ گذشته (یعنی، از دههٔ ۱۹۸۰ تا آغازین دههٔ هزارهٔ سوم) به ایجاد و گسترش ملاک‌هایی جهانی در این زمینه پرداخته که در بستر منشور بین‌المللی حقوق بشر به شکل‌گیری یک منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان<sup>۱۱</sup> انجامیده‌اند. امروزه، هنجارهای تدوین‌شده در این منشور به شکل ملاک‌هایی جهانی درآمده‌اند که مهم‌ترین حقوق به رسمیت شناخته‌شدهٔ بین‌المللی برای حمایت از بزه‌دیده را دربردارند [۳۱: ۴].

10. International Recognition of Victims' Rights

11. international bill of victims' rights



در این گفتار، افزون بر اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت (زین پس، اعلامیه ۱۹۸۵)<sup>۱۲</sup>، به‌منزله سنگ بنای این منشور، تحول ملاک‌های جهانی مربوط در پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل درباره عدالت و حمایت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت<sup>۱۳</sup> (زین پس، پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶) بررسی شده، و سپس ترجمان حقوق بشری این ملاک‌ها در اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حق جبران و ترمیم برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه<sup>۱۴</sup> (زین پس، اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶) در راستای اصل راه‌بردی هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه تحلیل خواهند شد.

#### الف) حقوق جهانی بزه‌دیدگان در اعلامیه ۱۹۸۵

اعلامیه ۱۹۸۵ نقطه اوج و شکوفایی تلاش‌های سازمان ملل برای حمایت از بزه‌دیدگان است که به روی کرد بین‌المللی در این حوزه جنبه جهانی بخشید. این اعلامیه سرآمد تلاش‌های این سازمان برای پی‌ریزی ملاک‌های جهانی برای حمایت از بزه‌دیده بر پایه یافته‌های بزه‌دیده‌شناختی است که می‌توان آن را بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور<sup>۱۵</sup> [۳:۱۵] یا بزه‌دیده‌شناسی حمایتی [۴:۲۹] نامید. این ملاک‌ها ضمن به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان بر پایه تعریف بزه‌دیده، به ضابطه‌مند ساختن حقوق بزه‌دیدگان در چهارچوب مفهوم دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه کمک می‌کنند. الگوی حمایتی اعلامیه

---

۱۲. پوست قطعنامه ۴۰/۳۴، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، مجمع عمومی. برای دیدن متن قطعنامه و اعلامیه، رک: رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ نشر دادگستر، ۱۳۸۴، صص. ۷۳-۱۶۰.

13. **United Nations Convention on Justice and Support for Victims of Crime and Abuse of Power** (Latest draft, 14 Nov. 2006)

14. **Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law** [GA Res. 147, 21 March 2006, A/RES/60/147; 13 IHRR 907 (2006)].

15. assistance-oriented victimology

۱۹۸۵ را با توجه به ساختار این سند می‌توان در دو بخش حمایت‌های ماهوی (با تأکید بر حمایت کیفری) و حمایت‌های شکلی (یا حمایت‌های آیین دادرسی‌مدار) دسته‌بندی کرد. گذشته از حمایت کیفری، مفهوم دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه را می‌توان به‌منزلهٔ کانون برجستهٔ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در نظر گرفت که حقوق بزه‌دیدگان در چهارچوب حمایت‌های شکلی بر پایهٔ آن در بستر دادرسی عادلانه معنا پیدا می‌کند.

#### ۱. دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه در بستر دادرسی عادلانه

یکی از جنبه‌های مهم ملاک‌های جهانی بازتاب‌یافته در اعلامیهٔ ۱۹۸۵ به حمایت‌های شکلی مربوط می‌شود که چون پس از ارتکاب جرم و پی‌گرد بزه‌کار در فرایند عدالت جنائی مطرح می‌شوند، از آنها می‌توان به حمایت‌های آیین دادرسی‌مدار یاد کرد. منظور از حمایت‌های شکلی همان حقوق به رسمیت شناخته‌شده برای بزه‌دیدگان در قانون آیین دادرسی کیفری است که آنان باید با شرکت در رسیدگی‌های کیفری به احقاق آن بپردازند [۱: ۱۳۵]. نویسندگان اعلامیهٔ ۱۹۸۵ با مفهوم‌سازی نوآورانهٔ دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه چهرهٔ دیگری از معادله حقوق بشر را در کنار حقوق متهم (بزه‌کار) بر پایهٔ مفهوم دادرسی عادلانه نمایانده‌اند که این چهرهٔ جدید را می‌توان با مفهوم حقوق بزه‌دیده بر پایهٔ رفتار منصفانه بازشناخت.

#### ۲. حمایت‌های شکلی (آیین دادرسی‌مدار) در پرتو دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه

در این میان، رعایت احترام به منزلت بزه‌دیده بنیادی‌ترین حق انسانی او است که از رهگذر رفتار منصفانه همهٔ دست‌اندرکاران و دیگر پشتیبانان حمایت از بزه‌دیده تحقق می‌یابد (پاراگراف ۴). وانگهی، نویسندگان اعلامیه با تأکید بر اینکه «مأموران پلیس و [دیگر] دست‌اندرکاران عدالت جنائی ... برای حساس شدن و توجه به نیازهای بزه‌دیدگان باید آموزش ببینند...» (پاراگراف ۱۵)، به طور نامستقیم به اهمیت مسألهٔ قربانی شدن دومین اشاره کرده‌اند. قربانی شدن دومین یا مضاعف<sup>۱۶</sup> به آثار منفی

افزونی گفته می‌شود که از رهگذر پاسخ‌گویی افراد (مانند اعضای خانواده یا دوستان بزه‌دیده) یا برخی نهادها (پلیس، دادسرا، دادگاه ...) پس از رخداد جرم (بزه‌دیدگی اصلی-نخستین) یا در فرایند عدالت جنائی به بزه‌دیده وارد می‌شود [۹۷:۲].

افزون بر حق بهره‌مندی از رفتار منصفانه، از آنجا که بزه‌دیدگان برای جبران و ترمیم همه آثار بزه‌دیدگی خود باید در فرایند عدالت جنائی شرکت کنند، حق جبران را می‌توان دومین رکن اصلی حقوق بزه‌دیده در نظر گرفت (پاراگراف ۵ اعلامیه). اهمیت این حق تا آنجا است که برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی از آن به‌منزله یکی از اصول بنیادی در همه نظام‌های حقوقی یاد کرده‌اند [۲۰۷:۹]. نویسندگان اعلامیه ۱۹۸۵ با بهره‌گیری از واژگانی نوآورانه «جبران خسارت از رهگذر بزه‌کار»<sup>۱۷</sup> را (به‌منزله شکل اصلی جبران) از «پرداخت غرامت دولتی»<sup>۱۸</sup> (به‌منزله شکل استثنائی جبران) جدا کرده‌اند. افزون بر ساختار سنتی جبران خسارت (از رهگذر استرداد مال یا پرداخت پول)، این شکل جبران حتی ترمیم حقوق بزه‌دیده<sup>۱۹</sup> را نیز دربرمی‌گیرد (پاراگراف ۸). ولی، از آنجا که سهام‌داران اروپایی اعلامیه ۱۹۸۵ پیش‌تر در «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار»<sup>۲۰</sup> (زین پس، کنوانسیون اروپایی بزه‌دیدگان) ضرورت حمایت از بزه‌دیده را بر پایه دو اصل هم‌بستگی اجتماعی و انصاف نمایانده بودند، سازوکار پرداخت غرامت دولتی به‌منزله یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای جنبش حقوق بزه‌دیده به اعلامیه ۱۹۸۵ نیز راه یافت.

تحقق این دو رکن بنیادی نیازمند پیش‌بینی حقوق دیگری برای بزه‌دیدگان است که اعلامیه ۱۹۸۵ ملاک‌های آنها را نیز به رسمیت می‌شناسد. در این میان، آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از نقش و امکانات خود، زمان‌بندی و روند پیش‌رفت رسیدگی‌ها و وضعیت

17. restitution from the offender

18. state compensation

19. restoration of victim's rights

۲۰. استرازابورگ، ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳، شورای اروپا. برای دیدن متن کنوانسیون، رک: رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ صص ۵۹-۱۴۷.

پرونده نخستین ابزار حمایتی در پاسخ‌گویی به نیازهای آنان شناخته شده است که حق دارند درخواست کنند (پاراگراف ۶-الف).

ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیده در مرحله‌های مناسب رسیدگی‌ها یکی دیگر از حقوقی است که نظام عدالت جنائی باید اجازه دهد تا همه بزه‌دیدگان احقاق کنند (پاراگراف ۶-ب). وانگهی، اعمال این حق نباید هیچ خدشه‌ای بر حقوق بزه‌کار که در چهارچوب دادرسی عادلانه از آن بهره‌مند است، وارد کند (همان پاراگراف). بدین سان، نویسندگان اعلامیه در اینجا بر هم‌ترازی حقوق متهم (بزه‌کار) و بزه‌دیده به‌منزله رکن مهم سیاست جنائی انسان‌مدار (عدالت جنائی حقوق بشری) و اصل راه‌بردی دادرسی عادلانه تأکید کرده اند که خود از اصل مهم و شناخته‌شده‌ای به نام اصل خدشه‌ناپذیری<sup>۲۱</sup> حقوق بین‌المللی حقوق بشر برمی‌خیزد.

یکی دیگر از حقوقی که در الگوی حمایتی اعلامیه ۱۹۸۵ پیش‌بینی شده، فراهم کردن کمک مناسب به بزه‌دیدگان در سراسر فرایند عدالت جنائی است (پاراگراف ۶-پ) که بر پایه آن، بزه‌دیدگان حق دارند در چهارچوب ابزارهای حکومتی، داوطلبانه، اجتماع‌مدار و بومی کمک مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی لازم را دریافت کنند (پاراگراف ۱۴). این پاراگراف که زیر عنوان مستقلی در اعلامیه پیش‌بینی شده، نمایانگر ویژگی حمایت‌مدار این سند بین‌المللی است که مهم‌ترین ملاک‌های الگوی حمایت از بزه‌دیده (از جمله، حمایت مالی، حمایت پزشکی، حمایت عاطفی و حمایت اجتماعی) را می‌توان از آن برداشت کرد [۳۶-۱۳۲: ۱].

حق تأمین امنیت یکی دیگر از ابزارهای مهم حمایت از بزه‌دیده است که گستره آن به گواهایی که از سوی او در دادرسی‌ها شرکت می‌کنند، نیز کشانده می‌شود (پاراگراف ۶-ت). رکن‌های سه‌گانه این حق (یعنی، حفاظت از بزه‌دیده در رویارویی مستقیم با بزه‌کار، حفاظت از بزه‌دیده در برابر تهدیدها یا انتقام‌جویی‌های نامستقیم

بزه‌کار، و حفاظت از هویت بزه‌دیده)، همچنان که خواهیم دید، به گشوده شدن فصل مهمی در گفتمان بزه‌دیده‌شناسی حمایتی — یعنی حفاظت از بزه‌دیده و گواهان<sup>۲۲</sup> (و حتی کارشناسان پرونده<sup>۲۳</sup>) — انجامیده است.

حق بهره‌مندی از رسیدگی فوری و اجرای بدون تأخیر دستورهای یا حکم‌های پرداخت خسارت یکی دیگر از ابزارهای حمایتی در پاسخ‌گویی به نیازهای بزه‌دیدگان است (پاراگراف ۶-ت) که پیش‌بینی آن را به‌ویژه باید در راستای اعمال حق بنیادی جبران ارزیابی کرد.

افزون بر پاراگراف ۶-ب اعلامیه<sup>۱۹۸۵</sup>، قطعنامه<sup>۴۰/۳۴</sup> مجمع عمومی که اعلامیه به پیوست آن تصویب شد<sup>۲۴</sup>، با تصریح به ضرورت به رسمیت شناختن حقوقی برای بزه‌دیدگان بدون خدشه به حقوق متهمان یا بزه‌کاران، هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم را به‌منزله<sup>۲۵</sup> اصل راه‌بردی دادرسی عادلانه در این اعلامیه می‌پذیرد.

پس از تصویب اعلامیه<sup>۱۹۸۵</sup>، سازمان ملل با هم‌کاری دیگر کارگزاری‌ها و علاقه‌مندان حقوق بزه‌دیده مسأله اجرای مفاد این اعلامیه را دنبال کرده است. افزون بر قطعنامه‌های گوناگون شورای اقتصادی و اجتماعی [۱۸۶: ۱۴]، گزارش‌های دبیر کل سازمان ملل<sup>۲۵</sup> و انتشار دو کتابچه راهنما<sup>۲۶</sup>، جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی<sup>۲۷</sup>، به‌منزله<sup>۲۸</sup> مهم‌ترین سازمان غیردولتی بین‌المللی در زمینه بزه‌دیدگان، با هم‌کاری مؤسسه بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی دانشگاه تیلبرگ<sup>۲۸</sup> هلند پیش‌نویس کنوانسیون را برای

22. protection of victims and witnesses

23. experts

۲۴. برای دیدن متن قطعنامه، ر.ک.: رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ صص ۶۵-۱۶۰.

۲۵. برای نمونه، ر.ک.:

E/AC;57/1988/3. E/AC;57/1990/3. E/CN/15/1996/16. Add;3. E/CN 15/1997/16. and Add 1.

۲۶. برای دیدن این دو کتابچه، به‌ترتیب ر.ک.: [۱۹۹۹، UNODCCP، *Guide for Policy Makers*...؛ عدالت برای بزه‌دیدگان، مترجم: شایان، علی؛ نشر سلسبیل، ۱۳۸۴.

27. World Society of Victimology (WSV)

البته، این انجمن در تصویب اعلامیه<sup>۱۹۸۵</sup> و انتشار دو کتابچه یادشده نیز نقش مؤثری داشته است.

28. International Victimology Institute (INTERVICT) of Tilburg University

سازمان ملل تنظیم می‌کنند (پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶)<sup>۲۹</sup> که در صورت تصویب، تحول شگرفی در ملاک‌های جهانی حمایت از بزهدیده ایجاد خواهد کرد.

**ب) تحول ملاک‌های جهانی حمایت از بزهدیده در پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶**  
پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ که از یک دیباچه و ۲۵ ماده در چهار بخش تشکیل شده، در بردارنده ملاک‌های گوناگونی در زمینه حقوق بزهدیدگان و حمایت از آنها است که برخی نسبت به اعلامیه ۱۹۸۵ نوآورانه‌اند. در دیباچه این پیش‌نویس، ضمن اشاره به بزهدیدگی گروهی میلیون‌ها نفر—از جمله، بسیاری از زنان و کودکان (به‌منزله بزهدیدگان خاص)—و خاستگاه بزهدیدگی آنان، بر نادیده گرفته شدن حقوق این بزهدیدگان تأکید شده است.

در دیباچه، با اشاره به لایه‌های تقنینی، قضائی و اجرایی سیاست جنائی بزهدیده‌مدار، جنبه‌های گوناگون حمایت از بزهدیده در این سیاست جنائی در چهار بُعد خلاصه شده‌اند: اطلاع‌رسانی؛ خدمات‌رسانی؛ جبران خسارت—پرداخت غرامت؛ و مشارکت بزهدیده در فرایند عدالت جنائی. وانگهی، پیش‌گیری از بزهدیدگی یکی از هدف‌های اصلی کنوانسیون در نظر گرفته شده است.

تحول ملاک‌های جهانی حقوق بزهدیدگان در بستر دادرسی عادلانه را در این پیش‌نویس، در مقایسه با اعلامیه ۱۹۸۵، می‌توان در دو بخش همسانی‌های دو سند و نوآوری‌های پیش‌نویس بررسی کرد.

**۱. همسانی‌های پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ و اعلامیه ۱۹۸۵ در زمینه حقوق بزهدیده**  
یکی از همسانی‌های پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ با اعلامیه ۱۹۸۵ به حقوق بزهدیدگان و جنبه‌های گوناگون حمایت از آنان بازمی‌گردد. در این میان، بخش دوم پیش‌نویس که به نظر می‌رسد با الهام از کتابچه اصول و رهنمودهای بنیادی درباره

۲۹. آخرین نسخه این پیش‌نویس در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۶ تنظیم شده است. برای دیدن متن پیش‌نویس، ر.ک.:  
<http://www.worldsocietyofvictimology.org/>

حق جبران و ترمیم (راهنمای قطعنامه ۱۴۷/۶۰، مجمع عمومی، ۲۱ مارس ۲۰۰۶)<sup>۳۰</sup> به حقوق و وظایف اختصاص یافته، مقررات مفصلی را در این زمینه پیش‌بینی کرده است. ملازمه عنوان در نظر گرفته‌شده (حقوق و وظایف) برای این بخش نمایانگر این مسأله است که هر یک از حقوق پیش‌بینی‌شده برای بزه‌دیدگان وظیفه‌ای برای دست‌اندرکاران عدالت جنائی است که باید انجام دهند. ماده ۵ از این بخش، زیر عنوان دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه، با الهام آشکار از اعلامیه بنیان حقوق به رسمیت شناخته‌شده برای بزه‌دیدگان را بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) شکل می‌دهد.

مهم‌ترین اصول مشترک با اعلامیه را در مقررات مفصل این بخش از پیش‌نویس می‌توان به شرح زیر شناسایی کرد.

#### ۱-۱. هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار)

یکی از جنبه‌های مهم دادرسی عادلانه که حقوق بزه‌دیده نیز در آن بازتاب می‌یابد، مسأله هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) است. اگر اصل برابری سلاح‌ها در دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که دو طرف دعوا از فرصت و امکاناتی برابر در دفاع از خود و اثبات ادعای‌شان بهره‌مند باشند، بر پایه مفهوم دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه نیز اصل هم‌ترازی حقوق اقتضاء می‌کند تا به رسمیت شناختن هر حقی برای بزه‌دیده بدون هیچ‌خدشه‌ای به حقوق متهمان باشد. دیباچه قطعنامه تصویب‌کننده اعلامیه ۱۹۸۵ با توجه به تضمین به رسمیت شناختن حقوق بزه‌دیدگان و احترام به این حقوق، به‌منزله مهم‌ترین هدف اعلامیه، بر دست‌یابی به این هدف بدون هیچ‌خدشه‌ای بر حقوق مظنونان یا بزه‌کاران<sup>۳۱</sup> نیز تأکید می‌کند. نویسندگان پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ با الهام از مفاد این قطعنامه و اعلامیه پیوست آن، نه‌تنها با تأکید

۳۰. رک: بند پ از همین گفتار.

31. the rights of suspects or offenders

بر پای‌بندی به کاهش بزه‌دیدگی از رهگذر روش‌های آیین دادرسی مدار در فرایند عدالت جنائی (از جمله، روش‌های کشف جرم و شناسایی بزه‌کار، پی‌گرد و کیفر او)، به طور نامستقیم به ضرورت هم‌ترازی حقوق متهم و بزه‌دیده نظر داشته‌اند (ماده ۴-الف)، بلکه با تأکید بر حق جبران و حق ارائه نظرها و نگرانی‌های بزه‌دیده بدون خدشه بر حقوق متهم، به طور مستقیم نیز به ضرورت اصل هم‌ترازی توجه کرده‌اند (بندهای الف-ب (۲) ماده ۵).

#### ۲-۱. دست‌رس‌پذیری سازوکارهای عدالت

بندهای الف-ب-پ (۱) ماده ۵ مربوط می‌شوند به سازوکارهای قضائی و اجرایی برای توانمند ساختن بزه‌دیدگان به احقاق حق جبران، و سازوکارهای اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان برای جبران نارسمی (عدالت ترمیمی)، که در پاراگراف‌های ۵، ۶-الف و ۱۵ اعلامیه ۱۹۸۵ نیز پیش‌بینی شده بودند.

#### ۳-۱. سازوکارهای پاسخ‌گویی به نیازهای بزه‌دیدگان

مهم‌ترین همسانی‌های این قسمت عبارت‌اند از کمک به بزه‌دیده در سراسر فرایند عدالت رسمی و نارسمی (بند ۲-ج ماده ۵، هم‌سو با پاراگراف ۶-پ اعلامیه)؛ و حفاظت از خلوت و حریم خصوصی بزه‌دیده و تأمین امنیت وی، خانواده و گواهان او (بندهای ج-ح (۲) همان ماده، هم‌سو با پاراگراف ۶-ت اعلامیه). بدین سان، در این بند از پیش‌نویس، حق بهره‌مندی از کمک و حمایت، و حق تأمین امنیت بزه‌دیده به رسمیت شناخته شده‌اند.

در مورد حق بهره‌مندی بزه‌دیده از کمک و حمایت، بند ۱ ماده ۸ — با الهام از پاراگراف ۱۴ اعلامیه — ارائه کمک‌های ضروری مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی ... را تضمین می‌کند. سرانجام، مواد ۱۰ و ۱۱ پیش‌نویس با الگوبرداری از اعلامیه ۱۹۸۵، جبران خسارت و پرداخت غرامت را به‌منزله دو ضلع اصلی حق جبران بزه‌دیده پذیرفته‌اند.



## ۲. نوآوری‌های پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶

پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ دربردارنده نوآوری‌های مهمی در زمینه حقوق بزه‌دیدگان است که در صورت تصویب، گام بلندی در حمایت از بزه‌دیدگان و به رسمیت شناختن حقوق آنان خواهند بود. در این میان، در چهارچوب سازوکارهای ماده ۵ از بخش دوم (زیر عنوان حقوق و وظایف)، مقررات خاصی پیش‌بینی شده‌اند.

### ۲-۱. سازوکارهای پاسخ‌گویی به نیازهای بزه‌دیدگان

نویسندگان پیش‌نویس در بند ۲ ماده ۵ با اشاره به مضمون دادرسی عادلانه بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار)، سازوکارهای مهمی را برای احقاق حقوق بزه‌دیدگان پیش‌بینی کرده‌اند؛ از جمله، فراهم ساختن رسیدگی عادلانه برای احقاق حق جبران بدون خدشه بر حقوق متهم (بند الف) و امکان دادن به احقاق حق ارائه نظرها و نگرانی‌های بزه‌دیده بدون خدشه بر حقوق متهم (بند ب).

سازوکارهای نوآورانه دیگری که بر پایه بند ۲ ماده ۵ به احقاق حقوق بزه‌دیده می‌انجامند، عبارت‌اند از امکان دادن به احقاق حق ارائه نظرها و نگرانی‌های بزه‌دیده در چهارچوب اختیار قضائی و استقلال سامانه قضائی (بند پ)؛ استرداد فوری مال بزه‌دیده (بند ت)؛ حق اعتراض یا تجدیدنظر بزه‌دیده (بند ث)؛ جلوگیری از اطاله دادرسی در راستای حمایت از بزه‌دیده (بند ح)؛ و تضمین اجرای حکم یا قرار مربوط به جبران برای بزه‌دیده (بند د).

### ۲-۲. تأمین امنیت بزه‌دیده، گواهان و کارشناسان از رهگذر حفاظت از آنان

ماده ۶ پیش‌نویس با الهام از ماده ۳۲ کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد<sup>۳۲</sup> به «حفاظت از بزه‌دیدگان، گواهان و کارشناسان» اختصاص یافته است. این ماده در راستای به رسمیت شناختن حق تأمین امنیت بزه‌دیده، دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد تا حفاظت از امنیت، سلامت بدنی و روانی، کرامت و خلوت بزه‌دیدگان،

گواهان و کارشناسان، و در صورت لزوم بستگان و نزدیکان آنان را در برابر تهدید و انتقام تضمین کنند (بند ۱).

تدبیرهای پیش‌بینی‌شده برای تحقق این هدف نیز در بند ۲ همان ماده آمده‌اند که عبارت‌اند از تدبیرهای حفاظت فیزیکی برای جابه‌جایی و انتقال بزه‌دیده، گواهان و کارشناسان، و حفظ هویت آنان (بند الف)؛ ادای سوگند یا گواهی با ابزارهای فناورانه، مانند ویدیو (بند ب)؛ و توافق و ترتیبات با دیگر دولت‌ها برای جابه‌جایی و انتقال این اشخاص (بند پ).

#### ۲-۳. حق اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده

ماده ۷ پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ زیر عنوان اطلاع‌رسانی مقررات مفصلی را به این موضوع اختصاص داده که برخی از آنها نسبت به اعلامیه ۱۹۸۵ نوآورانه‌اند. در این میان، بند ۱ این ماده موارد ده‌گانه‌ای را برای اطلاع‌رسانی می‌شمارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از مراکز خدماتی و حمایت از بزه‌دیده، نوع حمایت‌ها، مکان و چگونگی گزارش کردن جرم ارتكابی، دسترسی به مشاوره حقوقی، و ... .

بند ۲-ب ماده ۷ ضمن متعهد ساختن دولت‌های عضو به آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از روند رسیدگی‌ها، با استثناء کردن مواردی که این کار ممکن است اثر منفی بر بزه‌دیده بگذارد، به طور ضمنی به قربانی شدن دومین اشاره می‌کند که خود می‌تواند از موارد نقض حقوق بزه‌دیده در بستر دادرسی عادلانه باشد.<sup>۳۳</sup>

#### ۲-۴. حق بزه‌دیده به بهره‌مندی از کمک و حمایت

ماده ۸ پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶، ضمن الهام از پاراگراف‌های ۱۴ تا ۱۷ اعلامیه ۱۹۸۵، زیر عنوان کمک [به بزه‌دیده]، مقررات مفصلی را در این زمینه پیش‌بینی کرده که برخی از آنها نوآورانه‌اند. مهم‌ترین نمونه عبارت است از به کار بردن اصطلاح

۳۳. برای آگاهی بیشتر، رک: رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی؛ صص ۹۷-۱۰۰.

آگاه‌سازی بزه‌دیده از خدمات‌رسانی<sup>۳۴</sup> که با الهام از کتابچه عدالت برای بزه‌دیدگان به پیش‌نویس راه یافته است [۹۶: ۶]. در این میان، بند ۵ این ماده با تأکید بر آموزش مترجمان ویژه حمایت از بزه‌دیده، یکی از رکن‌های مهم دادرسی عادلانه (یعنی، حق بهره‌مندی از مترجم رایگان برای کمک به زبان قابل فهم متهم) را برای بزه‌دیده نیز به رسمیت می‌شناسد.

## ۲-۵. حق جبران برای بزه‌دیده

مواد ۱۰ و ۱۱ پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ با به کار بردن واژگان اعلامیه ۱۹۸۵، مقررات مفصل‌تری را درباره حق جبران پیش‌بینی می‌کنند. ماده ۱۰، زیر عنوان جبران خسارت از جمله ترمیم<sup>۳۵</sup>، ضمن پذیرفتن رکن‌های جبران خسارت در اعلامیه، ترمیم را در معنایی ناهمسان با دیگر سندهایی که این اصطلاح را به کار برده اند<sup>۳۶</sup>، به‌منزله رکن اصلی جبران خسارت در نظر گرفته است. بندهای ت-ث-ج (۱) ماده ۱۰ ضمن اشاره به اهمیت اجرای حکم جبران خسارت، تقدم آن بر دیگر ضمانت‌اجراها (مانند جزای نقدی، ضبط و مصادره...)، و نیز آسان کردن آن از رهگذر حقوق مدنی را پیش‌بینی کرده و بدین سان، بر اصالت جبران خسارت به‌منزله یکی از دو ضلع اصلی حق جبران تأکید کرده اند.

اگرچه پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ به‌منزله سندی برای تضمین بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان هنوز به تصویب نرسیده است، سازمان ملل با تصویب سند دیگری گام مهمی در راستای به رسمیت شناختن این حقوق در سطح بین‌المللی برداشته است. قطعنامه ۶۰/۱۴۷، ۲۱ مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی<sup>۳۷</sup> که به اختصار اصول و رهنمودهای

34. outreach to victims

35. restitution including reparation

۳۶. برای نمونه، ر.ک.: قطعنامه اصول و رهنمودهای بنیادی، و اساس‌نامه ژم به‌ترتیب در: بند پ از همین گفتار، و بند الف-۱-۱ از گفتار دوم.

۳۷. شایان گفتن است که بر خلاف آرشیو اسناد پایگاه اینترنتی سازمان ملل که در آن تاریخ رسمی این قطعنامه ۲۱ مارس ۲۰۰۶ درج شده است، نویسندگان کتابچه راهنمای اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ تاریخ تصویب قطعنامه یادشده را ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵ آورده اند [۵: ۱۳].

۲۰۰۶ نامیده می‌شود، سند مهمی است که به باور برخی از حقوق دانان بین‌المللی، آن را در کنار اعلامیه ۱۹۸۵ می‌توان منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان به شمار آورد [۲۰۳: ۹]. در این میان، با توجه به عنوان و محتوای این قطعنامه، اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ را باید ترجمان آشکار حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار دانست.

**پ) ترجمان حقوق بشری حمایت از بزه‌دیده در اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶**  
 اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ دست‌آورد بیش از شانزده سال تلاش کارشناسان و دست‌اندرکاران دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی است که به ملاک‌های حقوق بشری در زمینه حقوق بزه‌دیدگان (با تأکید بر حق بنیادی جبران) در آغاز هزاره سوم رسمیت بخشیده است. اگر چه اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ به‌روشنی از اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) نام نمی‌برند، مضمون آن را به‌منزله اصل راه‌بردی دادرسی عادلانه بر پایه اصل مهم خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر در حوزه حق جبران برای قربانیان حقوق بشری نیز می‌توان تصور کرد.

۱. حق جبران برای بزه‌دیدگان نقض‌های حقوق بشری در پرتو اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶  
 کتابچه اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حق جبران و ترمیم که عنوان اصلی آن به اجرای حقوق بزه‌دیدگان<sup>۳۸</sup> اختصاص یافته است، بر بزه‌دیده‌مدار<sup>۳۹</sup> بودن اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ تأکید می‌کند [۱۱ و ۴: ۱۳]. اصول یادشده با بهره‌گیری از زبان حقوق بشری تا اندازه‌ای از نوشتگان بزه‌دیده‌شناختی اعلامیه ۱۹۸۵ متمایز اند و شاید به همین دلیل، اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در آنها به‌روشنی دیده نمی‌شود. این تمایز همچنان که شریف بسیونی نیز می‌گوید، به کانون تمرکز این دو سند بازمی‌گردد [۲۴۷: ۹]. در حالی که اعلامیه ۱۹۸۵ بر بزه‌دیدگان جرم‌های متداول حقوق داخلی تأکید می‌کند، اصول وان بوون و بسیونی (به‌منزله پیش‌نویس‌های

38. implementing victim's rights

39. victim-oriented

اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶) بر قربانیان نقض‌های حقوق بشری متمرکز اند که چون ماهیتی جز همان جرم‌های بین‌المللی و فراملی ندارند، قربانیان آنها را نیز می‌توان در چهارچوب تعریف بزه‌دیده بازشناسی کرد. قطعنامه ۱۴۷، ۲۱ مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی که این اصول و رهنمودها را دربردارد، بر حق جبران (به‌منزله یکی از دو ضلع اصلی حقوق بزه‌دیدگان) تأکید می‌کند. بر خلاف اعلامیه ۱۹۸۵ که ملاک‌های جهانی نوین حقوق بزه‌دیده را معرفی می‌کند، اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ هنجارهای موجود حق جبران را بازتاب می‌دهند و دربردارنده ملاک‌های جدیدی نیستند.

## ۲. ملاک‌های حق جبران و ترمیم

مهم‌ترین مسأله‌ای که در همان عنوان قطعنامه مصوب اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ جلب توجه می‌کند، به تمایز دو اصطلاح جبران و ترمیم باز می‌گردد. در حالی که اعلامیه ۱۹۸۵ برای بیان حق جبران از دو واژه redress و remedy (در معنایی مشترک، به ترتیب برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت) بهره برده [۳:۳۳]، اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ در کنار واژه دوم، اصطلاح reparation را نیز به کار می‌برد. این اصطلاح به دسته گسترده‌ای از تدبیرهایی اشاره دارد که در پاسخ به نقض‌های واقعی یا تهدیدکننده اتخاذ می‌شوند و ماهیت کمک یا حمایت و نیز رویه یا آیین دادرسی آن را در چهارچوب دادرسی عادلانه دربرمی‌گیرد. وانگهی، در پرتو این اصطلاح‌شناسی دوگانه، دولت‌ها تعهدی دوگانه در برابر بزه‌دیدگان دارند. نخست، امکان‌پذیر ساختن کمک به آنان در برابر زبانی که دیده اند از رهگذر سازوکارهای شکلی یا آیین دادرسی مدار برای جبران<sup>۴۰</sup>، و دوم، به سرانجام رساندن جبران ماهوی از رهگذر کمک سودمند به ترمیم واقعی<sup>۴۱</sup> آثار بزه‌دیدگی [۸:۱۳].

بر این پایه، بزه‌دیدگان زیر پوشش اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ در کنار راه‌کارهای

40. procedural mechanisms/remedies

41. positive relief (substantive reparations)

جبرانی اعمال‌پذیر در حقوق داخلی، از حق دست‌رسی برابر به تدبیرهای جبران قضائی بر پایه حقوق بین‌المللی نیز بهره‌مند اند (اصل دوازدهم). این راه‌کارها و تدبیرها با الهام از اصول وان بوون و بسیونی عبارت اند از: جبران خسارت<sup>۴۲</sup> (یعنی، بازسازی وضعیتی که پیش از رخداد نقض‌ها وجود داشته است، شامل ترمیم حق آزادی و بهره‌مندی از حقوق بشر، ترمیم هویت، زندگی خانوادگی و حق شهروندی)؛ پرداخت غرامت<sup>۴۳</sup> (یعنی، آنچه باید برای هر خسارت برآوردپذیر اقتصادی که در پی نقض‌ها پدید آمده است داده شود، شامل زیان بدنی یا روانی، از دست دادن فرصت‌ها و شغل و موقعیت اجتماعی ...، خسارت‌های مادی از جمله از دست دادن درآمد یا منافع، خسارت معنوی، و هزینه‌های تحمیلی برخاسته از خدمات حقوقی، پزشکی، ...؛ توان‌بخشی و اعاده حیثیت<sup>۴۴</sup> (دربردارنده مراقبت‌های پزشکی و کمک‌های روان‌شناسانه و نیز خدمات حقوقی و اجتماعی)؛ اqtاع‌سازی بزه‌دیده<sup>۴۵</sup> (شامل تدبیرهایی کارآمد برای پایان دادن به ادامه نقض‌ها، وارسی واقعیت‌ها و افشای کامل و همگانی واقعیت تا جایی که حق تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان به خطر نیفتند، تحقیق درباره سرنوشت افراد ناپدیدشده به‌ویژه کودکان ربوده‌شده ...، بیانیه رسمی برای اعاده حیثیت بزه‌دیده و ترمیم حقوق او ...، پوزش همگانی، نکوداشت و بزرگ‌داشت برای بزه‌دیده، شرح کامل و دقیق نقض‌های رخ داده در آموزش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی) و تضمین‌های تکرار نکردن<sup>۴۶</sup> بزه‌دیدگی‌های روی داده (شامل تضمین کنترل کارآمد مردمی یا همگانی بر ارتش و دیگر نیروهای امنیتی، تضمین رعایت ملاک‌های بین‌المللی فرایند قانونی، انصاف و بی‌طرفی، تقویت استقلال سامانه قضائی، حمایت از اشخاص در همه حرفه‌ها یا تخصص‌های حقوقی و پزشکی و رسانه‌ای ...، آموزش حقوق بشر

42. restitution

43. compensation

44. rehabilitation

45. satisfaction

46. guarantees of non-repetition

و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رواج دادن مجموعه قواعد رفتاری و اصول اخلاق حرفه‌ای و ...] ۴۰-۳۳: ۱۳].

یکی از مهم‌ترین موارد تضمین‌های تکرار نکردن بزه‌دیدگی‌های روی داده که اصل راه‌بردی هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) در آن به چشم می‌خورد، تضمین رعایت ملاک‌های بین‌المللی فرایند قانونی، انصاف و بی‌طرفی است. منظور از این ملاک‌های بین‌المللی مقرراتی است که در مواد ۱۰ و ۱-۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پاراگراف‌های ۴ تا ۷ اعلامیه ۱۹۸۵، و به‌ویژه ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، درباره دادرسی عادلانه و رفتار منصفانه پیش‌بینی شده‌اند. در این میان، اصطلاح فرایند قانونی<sup>۴۷</sup> ترجمانی از همان مفهوم دادرسی عادلانه در نظام کامن‌لا (با تأکید بر انگلستان و آمریکا) است و دو اصطلاح پس از آن از ضرورت رعایت انصاف و بی‌طرفی در فرایند قانونی حکایت می‌کنند که خود نمایانگر اصل راه‌بردی هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه است.

افزون بر این، ماده ۲۶ اصول رهنمودهای ۲۰۰۶ زیر عنوان اصل ۱۲ (خدشه‌ناپذیری) به یکی از اصول مهم و شناخته‌شده حقوق بین‌المللی حقوق بشر رسمیت دوباره می‌بخشد. بر پایه این اصل، «هیچ چیز در این اصول و رهنمودهای بنیادی نباید در جهت محدود کردن یا خدشه زدن به حقوق یا تعهدهای برخاسته از حقوق داخلی یا بین‌المللی تفسیر شود. به‌ویژه، چنین می‌توان دریافت که اصول و رهنمودهای کنونی بدون خدشه به حق جبران و ترمیم برای همه بزه‌دیدگان نقض‌های حقوق بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه [اعمال‌پذیر] اند. همچنین، می‌توان دریافت که این اصول و رهنمودهای بنیادی هیچ خدشه‌ای به قواعد ویژه حقوق بین‌المللی وارد نمی‌کنند» (ماده ۲۶، اصل ۱۲).

سپس، ماده ۲۷ زیر عنوان اصل ۱۳ (حقوق دیگران) با تأکید بر ضرورت هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم بر پایه ملاک‌های دادرسی عادلانه، تصریح می‌کند که «هیچ چیز در این سند نباید در جهت خدشه زدن به حقوق دیگران که از نظر بین‌المللی یا ملی حمایت شده است، به‌ویژه حق متهم به بهره‌مندی از ملاک‌های اعمال‌پذیر فرایند قانونی، تفسیر شود».

باری، جهت‌گیری اصلی همه این ملاک‌های جهانی — از اصول بنیادی بازتاب‌یافته در اعلامیه ۱۹۸۵ گرفته تا اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ — حمایت از اشخاصی است که در پی نقض حقوق بشر یا آزادی‌های بنیادی خود بزه‌دیده شده‌اند و از این رو، به‌منزله یکی از طرف‌های اصلی دعوای کیفری در کنار متهم یا بزه‌کار باید از حقوق مشخصی در چهارچوب یک دادرسی عادلانه بهره‌مند شوند. بدین سان، در کنار سندهای بین‌المللی حقوق بشرمداری که بر پایه اصل منع تبعیض<sup>۴۸</sup> از همه اشخاص بزه‌دیده بدون هیچ تمایزی از جهت نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، ملیت، باور سیاسی یا هر باور دیگر، آداب و رسوم فرهنگی، دارایی، موقعیت خانوادگی یا تباری، خاستگاه قومی یا اجتماعی، ناتوانی بدنی یا روانی و ... حمایت می‌کنند<sup>۴۹</sup>، سندهای بین‌المللی حقوق بشرمدار دیگری نیز تصویب شده‌اند که بر پایه همان ملاک‌های جهانی و اصول بنیادی، حقوق به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی برای گروه‌های خاصی از بزه‌دیدگان را، که به دلیل داشتن برخی ویژگی‌ها آسیب‌پذیرتر اند، تضمین می‌کنند<sup>۵۰</sup>. مهم‌ترین سندهای دربردارنده این ملاک‌ها و اصول بنیادی را بر پایه منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان و در چهارچوب اصل راه‌بردی هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) می‌توان به شرح زیر تحلیل کرد.

48. the principle of non-discrimination

۴۹. برای نمونه، ر.ک.: پاراگراف ۳ اعلامیه ۱۹۸۵؛ و ماده ۱-۳ پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶.  
۵۰. اصل منع تبعیض یکی از بنیان‌های اصلی به رسمیت شناختن گروه‌های خاص بزه‌دیدگان (به‌ویژه زنان، کودکان، سالمندان، ناتوانان و اقلیت‌ها)، و به تعبیر شریف بسیونی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای تمایز بزه‌دیدگی فردی از بزه‌دیدگی گروهی است [۲۲: ۸].



## گفتار دوم: حقوق جهانی برای بزه‌دیدگان خاص در پرتو اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم

اگرچه ملاک‌های بازتاب‌یافته در اعلامیه ۱۹۸۵ و اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶ در مقام ایجاد و تثبیت هنجارهای جهانی مربوط به حقوق به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی برای همه بزه‌دیدگان بوده‌اند، اصل بنیادی منع تبعیض ایجاب می‌کند تا در حمایت از بزه‌دیدگان، به کسانی که به دلیل ماهیت بزه‌دیدگی یا دیگر عواملی که با نقض این اصل و در نتیجه با نقض حقوق بنیادی‌شان بزه‌دیده شده‌اند، توجه ویژه‌ای شود [پاراگراف ۱۷ اعلامیه]. بر همین پایه، نویسندگان پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ نیز، چنان که دیدیم، با الهام از قطعنامه ۴۰/۳۴ (تصویب‌کننده اعلامیه ۱۹۸۵)، ضمن آگاهی از بزه‌دیده شدن میلیون‌ها نفر در سده گذشته، به‌ویژه بر بزه‌دیدگی گروهی زنان و کودکان — به‌منزله آسیب‌پذیرترین گروه‌های خاص بزه‌دیدگان — تأکید ورزیده‌اند [دبیاچه پیش‌نویس].

در این میان، قربانیان سوءاستفاده از قدرت (اعلامیه ۱۹۸۵)، یا همان قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶)، به دلیل واقعیت مسلم بزه‌دیدگی‌شان از جمله کسانی‌اند که حقوق بنیادی‌شان نقض می‌شود. با توجه به ملاک‌های جرم‌انگاری این سوءاستفاده از قدرت، و جنبه‌های اصلی آن (یعنی، سوءاستفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی)، دو دسته جرم بین‌المللی را در گفتمان سیاست جنائی ملل متحد می‌توان از هم بازشناخت که نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌المللی کیفری، با هنجارگذاری و جرم‌انگاری در سندهای گوناگون از بزه‌دیدگان آنها حمایت می‌کنند. مهم‌ترین سندهایی که بر پایه گونه‌شناسی دوگانه سوءاستفاده از قدرت، حقوق به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی برای این بزه‌دیدگان خاص را بر پایه همان اصل هم‌ترازی

حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) در چهارچوب دادرسی عادلانه بازتاب می‌دهند، می‌توان به شرح زیر بررسی کرد.

### الف) حمایت از بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت سیاسی

سوءاستفاده از قدرت سیاسی — به‌منزلهٔ تجاوز از قدرت عمومی یا دولتی — زشت‌ترین و خطرناک‌ترین گونهٔ سوءاستفاده از قدرت به شمار می‌رود؛ زیرا، نه‌تنها سوءاستفادهٔ فاحش از اعتماد مردم به حکمرانان جامعه است، بلکه به بزه‌دیدگی گروهی افرادی می‌انجامد که قدرت عمومی یا سیاسی را به نمایندگان خود واگذار کرده‌اند [۲۲۶: ۵]. افزون بر سندهای تصویب‌شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر (از جمله، منشور بین‌المللی حقوق بشر و منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان)، سندهای مهم دیگری در حقوق بین‌المللی کيفری به تصویب رسیده‌اند که با بازتاب دادن ملاک‌های جهانی تدوین‌شده در این دو منشور، حقوقی را برای گروه‌های خاصی از بزه‌دیدگان به رسمیت می‌شناسند. در این میان، اساس‌نامهٔ دیوان بین‌المللی کيفری (زین پس، اساس‌نامهٔ ۱۹۹۸ رُم) و سندهای پیوست آن<sup>۵۱</sup> را می‌توان با دیگر سندهای تازه تصویب ملل متحد در این زمینه — از جمله، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همهٔ اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری (زین پس، کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۷)<sup>۵۲</sup>، و کنوانسیون حقوق ناتوانان و پروتکل اختیاری آن (زین پس، کنوانسیون ۲۰۰۷ حقوق ناتوانان)<sup>۵۳</sup> — مقایسه کرد. حقوق بزه‌دیدگان خاص در اینجا هم بر پایهٔ اصل راه‌بردی هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) از رکن‌های مهم دادرسی عادلانه به شمار می‌روند.

#### ۱. جلوه‌های حقوق بزه‌دیدگان شدیدترین جنایت‌های مایهٔ نگرانی بین‌المللی

۵۱. برای دیدن اساس‌نامه و سندهای پیوست آن، ر.ک.: مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کيفری؛ مترجم: محمد نسل، غلامرضا؛ نشر دادگستر، ۱۳۸۵.

52. **International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearances** (A/RES/61/177, 12 January, 2007).

53. **Convention on the Rights of Persons with Disabilities** (Annex I), and **Its Optional Protocol** (Annex II), A/RES/61/106, 24 January, 2007.

اساس نامهٔ ۱۹۹۸ رُم از میان رفتارهای جرم‌انگاری شده در حقوق بین‌المللی قراردادی و عرفی، با تأکید بر شدیدترین جنایات‌های مایهٔ نگرانی بین‌المللی<sup>۵۴</sup> بخش مهمی از جرم‌های دستهٔ دوم را به رسمیت شناخته و اعمالی را که تنها در کنوانسیون‌های بین‌المللی ممنوع شده‌اند، از پوشش صلاحیت ذاتی دیوان بیرون گذاشته است. در کنار اساس‌نامه، سند‌های پیوست آن (از جمله، قواعد آیین دادرسی و دلایل، مقررات صندوق امانی، و مقررات ثبت و بایگانی دیوان)، با حمایت از بزه‌دیدگان جنایت‌های یادشده، مقررات خاصی را به‌ویژه با الهام از ملاک‌های جهانی اعلامیهٔ ۱۹۸۵ پیش‌بینی می‌کنند.

#### ۱-۱. تجلی حق تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان در اساس نامهٔ ۱۹۹۸ رُم

مواد ۶۸ و ۷۵ اساس‌نامه با تلفیق قواعد و ملاک‌های دو دادگاه ویژهٔ بین‌المللی کیفری (یوگسلاوی و رواندا)، نوآوری‌هایی نیز در زمینهٔ حقوق بزه‌دیدگان به همراه دارند. مادهٔ ۶۸ زیر عنوان حفاظت از بزه‌دیدگان و گواهان و شرکت آنان در رسیدگی‌ها با تأکید بر حق تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان از یک سو، و تضمین مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی‌های کیفری برای احقاق حق جبران خود از سوی دیگر، رکن‌های حقوقی به رسمیت شناخته‌شده برای آنان را پیش‌بینی می‌کند. این ابزارهای حمایتی عبارت‌اند از تدبیرهای حفاظتی ویژه برای بزه‌دیدگان جرم‌های جنسی یا تعرض‌های جنسیتی (بند ۱)؛ غیرعلنی کردن دادرسی در موارد استثنائی (بند ۲)؛ و ارائهٔ دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیده (بند ۳)، که در همهٔ آنها بر رعایت اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در چهارچوب دادرسی عادلانه تأکید شده است.

مادهٔ ۷۵ نیز با به کار بردن واژگانی متفاوت با اعلامیهٔ ۱۹۸۵ و اصول و رهنمودهای

---

54. the most serious crimes of concern to the international community [as a whole] این جنایت‌ها عبارت‌اند از: نسل‌زدایی (ماده ۶)؛ جنایت‌های علیه بشریت (ماده ۷)؛ جنایت‌های جنگی (ماده ۸)؛ و جنایت تجاوز، که دیوان زمانی صلاحیت خود را دربارهٔ این جنایت اعمال خواهد کرد که مقررات آن تصویب شوند (بند ۲ ماده ۵).

۲۰۰۶ [۱۳۹: ۳]، به حق جبران برای بزه‌دیدگان اختصاص یافته است. حق جبران در این ماده از رهگذر اصطلاح reparation، شامل جبران خسارت، پرداخت غرامت و توان‌بخشی-اعاده حیثیت دانسته شده است. با وجود این، به نظر می‌رسد که تعریف و رکن‌های سازنده این سه مفهوم از ملاک‌های جهانی تدوین شده در منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان پیروی می‌کنند.

۱-۲. تحول حقوق بزه‌دیدگان و گواهان در قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل که بر پایه ماده ۵۱ اساس‌نامه، به‌منزله یکی از پیوست‌های آن تصویب شده‌اند، مقررات مفصلی را درباره بزه‌دیدگان و حقوق آنان دربردارند. گذشته از زیربخش یکم از بخش سوم نخستین فصل این سند (شامل مقرراتی درباره واحد بزه‌دیدگان و گواهان)<sup>۵۶</sup>، قواعد ۸۵ تا ۹۹ مقررات ویژه‌ای را در مورد حقوق این افراد پیش‌بینی کرده‌اند. قاعده ۸۵ با عنوان تعریف بزه‌دیدگان، هم‌سو با اعلامیه ۱۹۸۵ آنان را شامل هر دو دسته اشخاص حقیقی و حقوقی می‌داند. قاعده ۸۶ نیز حمایت ویژه از گروه‌های خاص بزه‌دیدگان (به‌ویژه کودکان، سالمندان و ناتوانان) را به‌منزله اصل بنیادین این قواعد معرفی می‌کند. قواعد ۸۷ و ۸۸ زیر عنوان حفاظت از بزه‌دیدگان و گواهان مقررات مفصل‌تری را نسبت به مقررات مشابه در ماده ۶۸ اساس‌نامه دربردارند. با وجود این، برخی از این تدبیرها با انتقاد روبه‌رو شده‌اند. برای نمونه، بعضی نویسندگان، در هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار)، با توجه به امکان «فاش نکردن هویت گواهان بر متهم» در بند ۱-الف قاعده ۸۷ تردید کرده‌اند [۳۴۵: ۱۰]. البته، بر پایه ماده ۲-۶۴ اساس‌نامه که وظیفه نظارت و دقت در عادلانه بودن دادرسی و رعایت حقوق متهم را بر عهده مرجع رسیدگی دیوان نهاده است، در این مورد و موارد مشابه، مسأله در عمل به چگونگی برخورد

مرجع و عمل کرد آن بازمی‌گردد.

در چهارچوب امکان شرکت بزه‌دیدگان در دادرسی، در راستای اعمال حقِ ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های آنان (قاعده ۸۹)، یکی دیگر از نوآوری‌های بازتاب‌یافته در قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل حق بزه‌دیده به داشتن نماینده قانونی در رسیدگی‌هاست. ولی، در پاسخ پرسش «چگونگی تحقق این حق با توجه به گروهی بودن بزه‌دیدگان جنایت‌های در صلاحیت دیوان در بیش‌تر موارد» [۳۵۲: ۱۰]، دو راه به نظر می‌رسد: نخست، محدود کردن شمار نمایندگان بزه‌دیدگان؛ و دوم، ایجاد محدودیت‌هایی برای شرکت نمایندگان در دادرسی‌ها. بر پایه قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل، در مورد نخست مرجع رسیدگی‌کننده می‌تواند از بزه‌دیدگان بخواهد تا نماینده مشترکی را برگزینند (قاعده ۲-۹۰) و در مورد دوم، هر بزه‌دیده‌ای که بخواهد نماینده‌ای داشته باشد، باید درخواست کتبی به این مرجع تقدیم کند که در عمل ممکن است به محدود شدن دخالت نماینده به اظهارنظرهای کتبی بینجامد (قاعده ۲-۹۱).

تا پیش از تصویب مقررات دیوان<sup>۵۷</sup>، بر پایه ماده ۵۲ اساس‌نامه، مهم‌ترین مسأله‌ای که درباره اعمال حق جبران برای بزه‌دیدگان مطرح بود، به چگونگی تأمین محل آن بازمی‌گشت. مقررات صندوق امانی برای بزه‌دیدگان<sup>۵۸</sup> (زین پس، مقررات ۲۰۰۵ صندوق امانی)، و مقررات ثبت و بایگانی (زین پس، مقررات ۲۰۰۶ ثبت و بایگانی)<sup>۵۹</sup> گام دیگری در راستای تحقق این هدف بوده‌اند.

### ۳-۱. تجلی حق جبران برای بزه‌دیدگان در مقررات ۲۰۰۵ صندوق امانی

ماده ۷۹ اساس‌نامه و ماده ۹۸ قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل بنیان تصویب مقررات ۲۰۰۵ صندوق امانی<sup>۶۰</sup> به شمار می‌روند. بند ۵ دیباجه این مقررات بر پایه سیاست جنائی

57. Regulations of the Courts

58. *Regulations of the Trust Fund for Victims*, Resolution ICC-ASP/4/res.3, 3 Dec., 2005.

59. *Regulations of the Registry*, ICC-BD/03-01-06-Rev. 1 (Date entry into force: March 6, 2006; Date of the revision: September 25, 2006), Official Journal Publication.

۶۰. این مقررات از یک دیباجه و ۷۹ پاراگراف تشکیل شده‌اند.

مشارکتی بزه‌دیده‌مدار، بر مشارکت داوطلبانهٔ حکومت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، افراد، شرکت‌ها و دیگر اشخاص حقوقی در تأمین محل صندوق تأکید می‌کند. همین موضوع در پاراگراف ۲۱-الف نیز تکرار شده است. نویسندگان مقررات با الهام از واژگان اساس نامه و قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل (به ترتیب، مادهٔ ۷۵ و قواعد ۹۹-۹۴)، از اصطلاح حکم‌های جبران<sup>۶۱</sup> در بیان حق جبران برای بزه‌دیدگان بهره برده‌اند. منابع تأمین این صندوق عبارت‌اند از کمک‌های داوطلبانه، پول و اموال گردآوری شده از رهگذر جریمه‌های نقدی و ضبط و مصادرهٔ اموال، منابع گردآوری شده از رهگذر حکم‌های جبران صادر شده از سوی دادگاه، و منابع تخصیصی از سوی مجمع دولت‌های عضو.

یکی از ویژگی‌های مهم این مقررات که از ماهیت بزه‌دیدگی‌های گروهی جنایت‌های در صلاحیت دیوان برمی‌خیزد، حکم جبران گروهی<sup>۶۲</sup> است. بر پایهٔ قاعدهٔ ۳-۹۸ قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل، که در پاراگراف ۶۹ مقررات ۲۰۰۵ صندوق امانی بازتاب یافته است، چنانچه شمار بزه‌دیدگان، اندازه، شکل و شرایط جبران صدور حکم گروهی را ایجاب کنند، دیوان به‌مناسبت می‌تواند به پرداخت آن از صندوق امانی حکم کند.

سرانجام، یکی دیگر از نوآوری‌های این مقررات کاربرد اصطلاح آگاه‌سازی بزه‌دیده از خدمات‌رسانی<sup>۶۳</sup> است که برای نخستین بار در یک سند رسمی بین‌المللی به کار رفته است و پیش‌تر دربارهٔ آن بحث شد<sup>۶۴</sup>. اگر چه مقررات ۲۰۰۵ صندوق امانی، بر خلاف قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل، از ضرورت هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) نام نمی‌برند، رعایت آن به‌منزلهٔ اصل راه‌بردی دادرسی عادلانه در این مقررات نیز گریزناپذیر است. به سخن دیگر، پرداخت خسارت به بزه‌دیده از محل این

61. reparations awards

62. collective reparation awards

63. outreach to victims

۶۴ همچنان که پیش‌تر نیز گفته شد [بندب-۲-۴ از گفتار نخست]، این اصطلاح که در کتابچهٔ سازمان ملل با عنوان عدالت برای بزه‌دیدگان به کار رفته، مورد توجه نویسندگان پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ نیز قرار گرفته است [۹۶:۶].

صندوق هرگز نباید خدشه‌ای به حقوق متهم یا متهمان آن پرونده وارد آورد. برای نمونه، اگر چه ماده ۲-۷۷ اساس‌نامه رم به دیوان اجازه می‌دهد که افزون بر حبس، حکم پرداخت جریمه نقدی یا ضبط و مصادره اموال را صادر کند، صدور این حکم نمی‌تواند بدون توجه به ملاک‌های جهانی اصل فردی کردن مجازات نسبت به بزه‌کار و تنها به منظور پرداخت خسارت به بزه‌دیده از محل صندوق امانی انجام شود.

#### ۱-۴. سازوکارهای اجرای حقوق بزه‌دیدگان در مقررات ۲۰۰۶ ثبت و بایگانی

مقررات ۲۰۰۶ ثبت و بایگانی دیوان یکی از مقررات جدیدی است که بر پایه ماده ۵۲ اساس‌نامه، و بخش سوم فصل یکم قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل تصویب شده‌اند. قواعد ۱۶ تا ۱۹ از زیربخش دوم، با ایجاد واحد بزه‌دیدگان و گواهان وظایفی را برای بخش ثبت و بایگانی دیوان در راستای احقاق حقوق این اشخاص پیش‌بینی می‌کنند. حق تأمین امنیت گواهان، بزه‌دیدگان و نمایندگان قانونی‌شان، و اطلاع‌رسانی به آنان مهم‌ترین محورهای حقوق به رسمیت شناخته‌شده در این بخش‌اند.

افزون بر وظایف ثبت و بایگانی دیوان در قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل، فهرستی از حقوق بزه‌دیدگان و گواهان را می‌توان در مقررات ۲۰۰۶ ثبت و بایگانی نیز شناسایی کرد. در کنار تدبیرهایی چون تأمین امنیت، شرکت دادن بزه‌دیدگان در دادرسی‌ها و خدمات‌رسانی به آنان، سازوکارهای نوآورانه‌ای (مانند نقل و انتقال بزه‌دیدگان، و پشتیبان همراه بزه‌دیده) نیز در این مقررات به چشم می‌خورند. بر این پایه، قواعد ۷۹ تا ۱۱۸ مقررات مفصلی را زیر عنوان کمک به بزه‌دیدگان و گواهان پیش‌بینی کرده‌اند.

در این میان، قاعده ۹۱ در راستای کمک به بزه‌دیدگان و احقاق هر چه بهتر تأمین امنیت آنان، سازوکاری به نام پشتیبانان همراه بزه‌دیده<sup>۶۵</sup> را معرفی می‌کند. پشتیبان همراه بزه‌دیده شخصی است که در شرایطی مانند نبودن هیچ بازمانده‌ای از خانواده درجه‌یک، وجود گرایش به خودکشی، امکان بروز خشونت، وجود بیماری بدنی یا روانی از پیش موجود و ...، برای مراقبت از بزه‌دیده و کمک به وی در فرایند عدالت

جنائی می‌تواند او را همراهی کند.

قواعد ۹۲ تا ۹۶ نیز مقررات مفصل‌تری را، نسبت به ملاک‌های پیشین حق تأمین امنیت، از جمله دربارهٔ ترتیبات امنیتی، تدبیرهای حفاظت محلی، تدبیرهای حفاظتی، ترتیبات حفاظتی، و برنامهٔ حفاظتی (مانند نام مستعار، تغییر چهره یا صدا، جلسه‌های غیرعلنی، خطِ تلفن شبانه‌روزی ...) پیش‌بینی می‌کنند. حق تأمین امنیت حتی در بحثِ شرکت بزه‌دیدگان در دادرسی برای حق جبران نیز مورد تأکید قرار گرفته است (قواعد ۱۰۱-۹۷).

یکی دیگر از نوآوری‌های مهم این مقررات (قواعد ۱۱۸-۱۱۲) در پرتو به رسمیت شناخته شدن نمایندگی قانونی بزه‌دیدگان<sup>۶۶</sup> در اساس‌نامه و قواعد آیین دادرسی و دلایل آن، تعیین وکیل ویژه یا وکیل تسخیری برای آنان است که به‌ویژه در مورد جنایت‌های در صلاحیت اساس‌نامه و البته در چهارچوب یک دادرسی عادلانه بسیار اهمیت دارد. سرانجام، قاعدهٔ ۱۱۸ از زیربخش ۶ این مقررات در راستای احقاق هر چه بهتر حق جبران برای بزه‌دیدگان، مقرراتی را به هم‌کاری بخش ثبت و بایگانی با صندوق امانی دیوان اختصاص داده است.

از آنجا که رعایت حقوق متهم بر پایهٔ دادرسی عادلانه یکی از اصول پذیرفته‌شده در اساس‌نامهٔ ۱۹۹۸ رُم است، هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) در همهٔ این موارد یکی از وظایف مهم بخش ثبت و بایگانی دیوان به شمار می‌رود. این مسأله تا آنجا اهمیت داشته که زیربخش سوم فصل یکم قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل، بدون فاصله پس از بیان وظایف بخش ثبت و بایگانی در چهارچوب واحد بزه‌دیدگان و گواهان، مقررات جداگانه‌ای را زیر عنوان «مسئولیت‌های رئیس ثبت و بایگانی دربارهٔ حقوق متهم» به آن اختصاص داده است (قواعد ۲۲-۲۰). در راستای هم‌ترازی حقوق متهم (بزه‌کار) و بزه‌دیده بر پایهٔ اصل دادرسی عادلانه، رئیس ثبت و بایگانی باید امکان احقاق حقوق متهم را به‌ویژه از رهگذر رعایت محرمانگی و کمک حقوقی (از جمله، تعیین وکیل مدافع) فراهم سازد. بدین سان، نویسندگان قواعد و مقررات پیش‌گفته



این بار با به رسمیت شناختنِ دادرسی عادلانه به‌منزلهٔ یکی از اصول پذیرفته‌شده در اساس‌نامهٔ رم بر ضرورت این هم‌ترازی تأکید ورزیده‌اند.

## ۲. جلوه‌های حقوق بزه‌دیدگان جنایت‌های خاص بین‌المللی

افزون بر شدیدترین جنایت‌های مایهٔ نگرانی بین‌المللی، جنایت‌های دیگری نیز وجود دارند که یا به دلیل حاصل نشدن اجماع بین‌المللی به اساس‌نامهٔ ۱۹۹۸ رُم راه نیافتند یا در راستای تحولات نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بین‌المللی کیفری به‌تازگی جرم‌انگاری شده‌اند. در این میان، کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۷ دربارهٔ ناپدیدسازی اجباری، و کنوانسیون ۲۰۰۷ حقوق ناتوانان دو سند مهم تازه تصویب‌اند که ضمن حمایت کیفری از بزه‌دیدگان جنایت‌های خاص بین‌المللی، حقوق به رسمیت شناخته‌شدهٔ آنان را بر پایهٔ اصل راه‌بردی هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) بازتاب می‌دهند.

### ۲-۱. حمایت از بزه‌دیدگان جنایت ناپدیدسازی اجباری در کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۷

ناپدیدسازی اجباری<sup>۶۷</sup> در میان جنایت‌های علیه بشریت یکی از مهم‌ترین جنایت‌هایی است که در پی سوءاستفاده از قدرت سیاسی به بزه‌دیدگی گروهی ناراضیان یا مخالفان حکومت می‌انجامد [۲۵۲: ۵]. در این میان، کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۷ نقطهٔ عطف تلاش‌های ملل متحد برای حمایت از این بزه‌دیدگان خاص سوءاستفاده از قدرت سیاسی است.<sup>۶۸</sup>

پاراگراف هفتم دبیاجهٔ این کنوانسیون با تأکید بر حق همهٔ اشخاص به مصون بودن از این جنایت علیه بشریت، حق بزه‌دیدگان برای دسترسی به عدالت و به دست آوردن جبران را به رسمیت می‌شناسد. پاراگراف هشتم نیز از حق بزه‌دیدگان به دانستن حقیقت دربارهٔ شرایط ناپدیدسازی اجباری و سرنوشت شخص ناپدیدشده، حق درخواست و دریافت اطلاعات یا اطلاع دادن بدین منظور نام می‌برد که آن را می‌توان

67. enforced disappearances

۶۸. برای آگاهی بیشتر، ر.ک.: رایجیان اصلی، مهرداد؛ جرم‌انگاری سوء استفاده از قدرت در پرتو تعامل نظام حقوق بشر و حقوق کیفری؛ صص ۵۵-۲۵.

از حقوق ویژه بزه‌دیدگان این جنایت به شمار آورد.

ماده ۳-۱۱ نوآوری جالبی را در ارتباط با مفاهیم رفتار منصفانه و دادرسی عادلانه دربردارد: «رفتار منصفانه با هر کسی که علیه او رسیدگی‌هایی در ارتباط با جنایت ناپدیدسازی به جریان می‌افتد، تضمین خواهد شد. کسی که به جرم ناپدیدسازی اجباری محاکمه می‌شود، از دادرسی عادلانه نزد دادگاه یا دیوانی صلاحیت‌دار، مستقل و بی‌طرف که بر پایه قانون برپا شده است، بهره‌مند خواهد بود». بدین سان، این ماده مفهوم بزه‌دیدگان‌شناسانه رفتار منصفانه را که پیش از این یکی از رکن‌های حقوق بزه‌دیده بود، در چهارچوب مفهوم دادرسی عادلانه برای حقوق متهم به کار می‌برد.

ماده ۷-۱۳ نیز با تدبیر جالب دیگری، اصل منع تبعیض را به حمایت از متهمان جنایت ناپدیدسازی اجباری می‌گستراند. بر این پایه، اگر از دولت عضو استرداد متهمی درخواست شود، ولی آن دولت بر این باور باشد که این درخواست به منظور پی‌گرد و مجازات متهم به دلیل ملاحظه‌های تبعیض‌جویانه (مانند جنس، نژاد، دین، ملیت ...) بوده است، دولت مورد درخواست تعهدی به مسترد کردن متهم نخواهد داشت.

افزون بر مقررات مربوط به حقوق متهم، کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۷ مقررات گوناگونی را درباره بزه‌دیدگان خاص جنایت ناپدیدسازی اجباری نیز دربردارد. این کنوانسیون با حمایت از اشخاص محروم از آزادی<sup>۶۹</sup> (به‌منزله مرتکبان جرم‌های سیاسی در حقوق داخلی و بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت در حقوق بین‌المللی)<sup>۷۰</sup>، حقوق مهمی را برای آنان به رسمیت می‌شناسد:

- حق هر شخص محروم از آزادی به باخبر ساختن خانواده، وکیل یا هر کس دیگر به انتخاب خود، و حق داشتن ملاقات با آنان؛

- حق بزه‌دیدگان نامستقیم احتمالی به اقامه دعوا نزد دادگاه برای رسیدگی فوری و

69. persons deprived of liberty

۷۰. ماده ۱-۲۴ بزه‌دیده را در این کنوانسیون چنین تعریف می‌کند: «یعنی شخصی که ناپدید شده و هر فردی که در پی ناپدیدسازی اجباری به طور مستقیم زیان - دیده است».

- قانونی به دلیل سلب آزادی و قانونی بودن آن؛
- حق بهره‌مندی از محرمانگی اطلاعات شخصی بدون خدشه زدن به حق جبران بزه‌دیده و بدون نقض حقوق بشر، آزادی‌های فردی یا کرامت انسانی بزه‌دیده؛
  - حق اطلاع‌رسانی به فرد محروم از آزادی؛
  - حق به دست آوردن جبران و غرامت فوری، عادلانه و مناسب<sup>۷۱</sup>؛
  - حق تشکیل و شرکت آزادانه در سازمان‌ها و انجمن‌های فعال در زمینه ناپدیدسازی اجباری و حمایت‌کننده از بزه‌دیدگان آن.

افزون بر حقوق بالا که آنها را می‌توان از رکن‌های مهم دادرسی عادلانه برشمرد، با توجه به آنچه در مورد ماده ۳-۱۱ گفته شد، رعایت هم‌ترازی حقوق بزه‌دیدگان و متهمان (بزه‌کاران) را به‌ویژه بر پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر می‌توان به‌منزله اصل راه‌بردی کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۷ نیز تصور کرد.

## ۲-۲. حقوق بیست‌گانه بزه‌دیده در کنوانسیون ۲۰۰۷ حقوق ناتوانان

کنوانسیون ۲۰۰۷ حقوق ناتوانان و پروتکل اختیاری آن، به منظور ترویج، تضمین و حمایت از بهره‌مندی کامل همه ناتوانان از همه حقوق بشری و آزادی‌های بنیادی، و ترویج احترام به کرامت ذاتی آنان، به‌منزله هدف کنوانسیون (ماده ۱)، اصول کلی هشت‌گانه‌ای را به‌مثابه بنیان اصلی حقوق ناتوانان بازتاب می‌دهد (ماده ۳) که عبارت اند از: احترام به کرامت ذاتی، خودمختاری فردی (از جمله، آزادی در انتخاب و استقلال اشخاص)، منع تبعیض، شرکت و حضور کامل و کارآمد در جامعه، احترام به تفاوت و اختلاف عقیده و باور ناتوانان به‌منزله بخشی از کثرت‌گرایی بشری و انسانیت، برابری فرصت‌ها، دست‌رس‌پذیری، برابری زن و مرد، و سرانجام احترام به رشد و پرورش توانایی‌های کودکان ناتوان و احترام به حفظ هویت آنان.

۷۱. ماده ۵-۲۴ با الهام از اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶، «جبران خسارت، توان‌بخشی، اقیاع‌سازی بزه‌دیده (از جمله، اعاده حیثیت)، و تضمین‌های تکرار نکردن بزه‌دیدگی‌های روی‌داده» را به‌منزله گونه‌های جبران و ترمیم می‌پذیرد.

کنوانسیون ۲۰۰۷ حقوق ناتوانان — به منزله یک سند حقوقی بین‌المللی برای حمایت از گروه‌های خاصِ بزه‌دیدگان — برای نخستین بار فهرست بیست‌گانه‌ای از حقوق ناتوانان را ارائه می‌کند که برخی از آنها فراتر از نسلِ نخست حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی)، با تأکید بر نسل‌های دوم و سوم حقوق بشر (حقوق اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی و ...)، ملاک‌های جدیدی به حقوق بزه‌دیدگان می‌افزایند. این حقوق بیست‌گانه عبارت‌اند از: حق زندگی (ماده ۱۰)؛ به رسمیت شناخته شدن برابر نزد قانون (ماده ۱۲)؛ دسترسی به عدالت (ماده ۱۳)؛ آزادی و امنیت اشخاص (ماده ۱۴)؛ مصون بودن از شکنجه یا رفتارها یا کیفرهای سنگدلانه، غیرانسانی یا خوارکننده (ماده ۱۵)؛ مصون بودن از بهره‌کشی، خشونت و سوءاستفاده (ماده ۱۶)؛ حمایت از تمامیت اشخاص (ماده ۱۷)؛ آزادی نقل مکان و ملیت (ماده ۱۸)؛ زندگی مستقل و حضور در جامعه (ماده ۱۹)؛ تحرک شخصی (ماده ۲۰)؛ آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات (ماده ۲۱)؛ احترام به خلوت و حریم خصوصی (ماده ۲۲)؛ احترام به خانه و خانواده (ماده ۲۳)؛ آموزش و پرورش (ماده ۲۴)؛ بهداشت (ماده ۲۵)؛ توان‌بخشی و بازپروری (ماده ۲۶)؛ کار و اشتغال (ماده ۲۷)؛ استاندارد زندگی مناسب و حمایت اجتماعی (ماده ۲۸)؛ شرکت در زندگی سیاسی و عمومی (ماده ۲۹)؛ و شرکت در زندگی فرهنگی، سرگرمی، اوقات فراغت و ورزش (ماده ۳۰).

سرانجام، پروتکل اختیاری کنوانسیون ۲۰۰۷ حقوق ناتوانان، بر خلاف خود کنوانسیون، با بهره‌گیری از واژگان بزه‌دیده‌شناسی، واژه victim را با توجه به نمودهای بزه‌دیدگی زیر پوشش کنوانسیون (خشونت، آسیب یا سوءاستفاده، بدرفتاری، بهره‌کشی، شکنجه، ...)، به معنای بزه‌دیده به کار برده و بر حق گزارش دادن به کمیته حقوق ناتوانان مبنی بر قربانی شدن نقض مقررات کنوانسیون (ماده ۱)، و حق جبران زیان واردشده به قربانی نقض مقررات کنوانسیون (ماده ۱-۴) تأکید می‌کند. با توجه به حقوق بیست‌گانه به رسمیت شناخته‌شده در کنوانسیون ۲۰۰۷ حقوق ناتوانان، به‌ویژه

حق دسترسی به عدالت، هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم بر پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر را می‌توان به‌منزله اصل راه‌بردی دادرسی عادلانه در این کنوانسیون نیز به‌شمار آورد.

### ب) حمایت از بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت اقتصادی

سوءاستفاده از قدرت اقتصادی، که جنبه دیگر سوءاستفاده از قدرت را در اعلامیه ۱۹۸۵ تشکیل می‌دهد، به ملاک‌های شناخته‌شده بین‌المللی در زمینه رفتار اشخاص حقوقی مربوط است که در پرتو مفهوم جرم‌شناسانه سازمان‌یافتگی جنائی از یک سو، و پدیده جهانی شدن حقوق و اقتصاد، از سوی دیگر، به مفهوم‌سازی جرم سازمان‌یافته فراملی<sup>۷۲</sup> در گفتمان سیاست جنائی سازمان ملل انجامیده است. بدین سان، با توجه به ویژگی فراملیتی جرم‌های سازمان‌یافته و پیوند آنها با مفهوم فساد، جرم‌انگاری فساد را به‌مثابه یک جرم سازمان‌یافته یا جرم اقتصادی مستقل می‌توان به‌منزله نمود برجسته سوءاستفاده از قدرت اقتصادی درک کرد.<sup>۷۳</sup> در این میان، سازمان ملل متحد با تصویب چند سند بین‌المللی مهم، ضمن مبارزه با این شکل‌های خطرناک بزه‌کاری، همواره پیش‌تاز حمایت از بزه‌دیدگان آن و به رسمیت شناساندن حقوق آنان بوده است.

#### ۱. جلوه‌های حقوق بزه‌دیدگان جرم‌های سازمان‌یافته فراملی

تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرم سازمان‌یافته فراملی (زین پس، کنوانسیون ۲۰۰۰ پالمو)<sup>۷۴</sup> و سه پروتکل اختیاری آن، نقطه عطف به رسمیت شناخته شدن حقوق بزه‌دیدگان خاص جرم‌های زیر پوشش آنها است. در این میان، افزون بر کنوانسیون ۲۰۰۰ پالمو، پروتکل سرکوب و کیفر قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان

72. transnational organized crime

۷۳. برای آگاهی بیشتر، ر.ک.: رایجیان اصلی، مهرداد؛ همان منبع؛ صص ۹۸-۳۲۱.

74. United Nations Convention against Transnational Organized Crime (A/RES/55/25, 15 November, 2000).

و کودکان و پیش‌گیری از آن (زین پس، پروتکل یکم ۲۰۰۰ کنوانسیون پالمو)<sup>۷۵</sup>، و پروتکل مبارزه با قاچاق مهاجران زمینی، دریایی و هوایی (زین پس، پروتکل دوم ۲۰۰۰ کنوانسیون پالمو)<sup>۷۶</sup> سه سند بین‌المللی مهم برای پوشش دادن به حقوق بزه‌دیدگان جرم‌های سازمان‌یافته فراملی اند.

#### ۱-۱. تجلی حق تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان در کنوانسیون ۲۰۰۰ پالمو

ماده ۲۴ کنوانسیون ۲۰۰۰ پالمو زیر عنوان «حفاظت از گواهان» با الهام از ملاک‌های جهانی بازتاب یافته در اعلامیه ۱۹۸۵ (پاراگراف ت-۶)، بر اهمیت حمایت ویژه از گواهان جرم‌های سازمان‌یافته و تأمین امنیت آنان در برابر تهدید، انتقام‌جویی و نفوذ گروه‌های سازمان‌یافته تأکید می‌کند (بند ۱). بند ۲ این ماده با برشمردن تدبیرهای حفاظتی (از جمله، حفاظت بدنی، حفظ هویت، ادای سوگند و گواهی با ابزارهای فناورانه مانند ویدئو ...)، بر هم‌ترازی حقوق گواهان و متهمان در دادرسی عادلانه تأکید می‌کند. افزون بر گواهانی که از سوی طرف‌های پرونده گواهی می‌دهند، بند ۴ مقررات این ماده را درباره بزه‌دیدگانی که به‌منزله گواه<sup>۷۷</sup> در دادرسی‌ها شرکت می‌کنند، اعمال‌پذیر می‌داند.

ماده ۲۵، زیر عنوان کمک به بزه‌دیدگان و حفاظت از آنان، ضمن تأکید بر حق تأمین امنیت (بند ۱)، حق جبران برای این بزه‌دیدگان را نیز به رسمیت شناخته (بند ۲)<sup>۷۸</sup>، و سرانجام، با الهام از پاراگراف ت-۶ اعلامیه ۱۹۸۵ و تأکید دوباره بر

75. Protocol to Prevention, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime (A/55/383, 15 November, 2000).

76. Protocol against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air, supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime (A/55/383, 15 November, 2000).

77. victims as witnesses

78. این بند با الهام از واژگان اعلامیه ۱۹۸۵، «پرداخت غرامت» و «جبران خسارت» را به‌منزله دو ضلع اصلی حق جبران برای بزه‌دیدگان پذیرفته است.

هم‌ترازی حقوق متهم (بزه‌کار) و بزه‌دیده، ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان را حق آنان در چهارچوب دادرسی عادلانه دانسته است (بند ۳).

#### ۲-۱. حقوق بزه‌دیدگان قاچاق انسان در پروتکل یکم ۲۰۰۰ کنوانسیون پالمو

پروتکل یکم ۲۰۰۰ کنوانسیون پالمو با جرم‌انگاری یکی از خطرناک‌ترین شکل‌های متداول جرم سازمان‌یافته (یعنی قاچاق انسان) به حمایت از آسیب‌پذیرترین بزه‌دیدگان این جرم (زنان و کودکان) پرداخته و از این رهگذر، حقوق خاصی را برای آنان به رسمیت می‌شناسد. پاراگراف یکم دیباچه و ماده ۲ این پروتکل با الهام از پاراگراف هجدهم اعلامیه ۱۹۸۵، حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان و رعایت کامل حقوق بشر به رسمیت شناخته شده بین‌المللی آنان را یکی از هدف‌های اصلی پروتکل می‌شمارد<sup>۷۹</sup>.

ماده ب-۳ نیز در راستای اصل بنیادی پذیرفته‌شده در پروتکل (حمایت ویژه از زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق)، با نامعتبر و غیرنافذ انگاشتن رضایت آنان به بهره‌کشی و سوءاستفاده، به حمایت از تمامیت این بزه‌دیدگان می‌پردازد.

در این میان، مواد ۶ تا ۸ از بخش دوم پروتکل زیر عنوان حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان مقررات مفصلی را درباره حقوق آنان دربردارد. این حقوق در سه محور (حق بهره‌مندی از کمک و حمایت، وضعیت بزه‌دیدگان در دولت‌های میزبان، و حق جبران) دسته‌بندی شده‌اند. حق تأمین امنیت و اطلاع‌رسانی، بهره‌مندی از مشاوره حقوقی، کمک پزشکی، روان‌شناسانه و مادی شناخته‌شده‌ترین حقوق یادشده‌اند. همچنین، ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیده یکی دیگر از حقوقی است که بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق متهم و بزه‌دیده باید در چهارچوب دادرسی عادلانه احقاق شود (ماده ب-۲-۶). مواد ۳-۶ و ۶-۶ نیز با به کار بردن تعبیر ترمیم<sup>۸۰</sup> و پرداخت غرامت<sup>۸۱</sup> حق

۷۹. در پاراگراف هجدهم اعلامیه، نقض هنجارهای شناخته‌شده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر رکن اصلی سوءاستفاده‌های مجرمانه از قدرت شمرده شده است.

80. recovery

81. compensation

جبران برای بزه‌دیدگان قاچاق انسان را به رسمیت شناخته است. سرانجام، مواد ۷ و ۸ حقوق ویژه‌ای را می‌شمارند که از ماهیت بزه‌دیدگی قاچاق انسان برمی‌خیزند. این حقوق ویژه عبارت اند از: حق اقامت دائم بزه‌دیدگان در دولت‌های میزبان (ماده ۱-۷)؛ و حق بهره‌مندی از رفتار بشردوستانه و انسانی (ماده ۲-۷). در این میان، بازگرداندن بزه‌دیده به موطن اصلی — به‌منزله حق دولت میزبان در جلوگیری از ورود یا اقامت بزه‌دیده — هرگز نباید با حق تابعیت یا حق اقامت و تأمین امنیت وی در تعارض باشد. به سخن دیگر، با توجه به اصالت حق تابعیت یا حق اقامت در موارد قاچاق انسان، بازگرداندن بزه‌دیده فقط باید با در نظر گرفتن امنیت او انجام شود (ماده ۱-۸)، و از این رو، دولت میزبان یا پذیرنده در این موارد همواره باید واقعیت بزه‌دیده بودن شخص قاچاق شده را در نظر بگیرد (ماده ۲-۸).

### ۳-۱. حقوق مهاجران بزه‌دیده در پروتکل دوم ۲۰۰۰ کنوانسیون پالمو

با توجه به پیوند و ارتباط دو پدیده قاچاق انسان و مهاجرت غیرقانونی با بزه‌کاری سازمان‌یافته فراملی، پروتکل دوم ۲۰۰۰ کنوانسیون پالمو به موضوع قاچاق مهاجران زمینی، دریایی و هوایی اختصاص یافته است. پاراگراف سوم دیباچه این پروتکل با تأکید بر ضرورت رفتار انسانی با مهاجران و حمایت کامل از حقوق آنان، به شکل نامستقیم به اصل دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه، به‌منزله دو رکن بنیادی حقوق بزه‌دیدگان اشاره می‌کند. این موضوع یکی از هدف‌های اصلی پروتکل نیز شمرده شده است (ماده ۲) که آن را می‌توان در راستای اصل راه‌بردی هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) درک کرد. ماده ۱۵ پروتکل دوم تنها ماده‌ای است که واژه بزه‌دیده را به کار می‌برد. ولی، ماده ۱۶ بدون به کار بردن این اصطلاح به تدبیرهای حفاظتی و حمایتی درباره مهاجران بزه‌دیده اختصاص یافته است. مهم‌ترین بازتاب‌های ملاک‌های جهانی حقوق بشری در این ماده، نخست به نسل یکم از حقوق بنیادی بشر (حقوق مدنی و سیاسی) — از جمله، حق زندگی، حق آزادی، و حق امنیت شخصی — مربوط می‌شود



(ماده ۱-۱۶). در این میان، حق اطلاع‌رسانی تنها بازتاب منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان در ماده ۵-۱۶ پروتکل است. سرانجام، بازگرداندن مهاجران قاچاق‌شده در اینجا نیز باید با توجه به حق اقامت دائم بزه‌دیدگان یا حق تابعیت آنان انجام شود (ماده ۱۸). وانگهی، بازگرداندن یا اعمال هر حق یا تدبیر دیگری در این پروتکل هرگز نباید دیگر هنجارهای شناخته‌شده در حقوق بین‌المللی حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی (از جمله، اصل منع بازگرداندن پناهندگان<sup>۸۲</sup> یا اصول به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی منع تبعیض<sup>۸۳</sup>) را نقض کند (ماده ۲-۱ (۱۹)).

## ۲. تقدم حقوق گواهان و کارشناسان بر بزه‌دیدگان جرم فساد در کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (کنوانسیون ۲۰۰۳ مریدا)<sup>۸۴</sup>

کنوانسیون ۲۰۰۳ مریدا — به‌منزله نخستین سند الزام‌آور بین‌المللی برای مبارزه با فساد — تحول مهمی را در جرم‌انگاری سوءاستفاده از قدرت اقتصادی ایجاد کرده است. این کنوانسیون به دلیل آماج قرار دادن جرم‌هایی که مرتکبان آنها به طور معمول کارگزاران دولتی اند، اهمیت فراوانی دارد و نشان می‌دهد که ارزش‌های بنیادینی چون احترام به حاکمیت قانون، درست‌کاری و پاسخ‌گویی را باید به‌منزله بنیان اصلی توسعه رواج داد [۱۱۸: ۱۶]. کنوانسیون ۲۰۰۳ مریدا، در عین حال، با توجه به این واقعیت که فساد، افزون بر یک جرم سازمان‌یافته فراملی، به‌منزله جرم اقتصادی مستقل نیز به بزه‌دیدگی گروهی افراد جامعه ملی و بین‌المللی می‌انجامد، ماده به‌نسبت مفصلی را به حمایت از حقوق بشر اختصاص داده است. ماده ۳۲ این کنوانسیون با الهام از مواد ۲۴ و ۲۵ کنوانسیون ۲۰۰۰ پالرمو که حمایت از گواهان را بر حمایت از بزه‌دیدگان مقدم دانسته

82. the principle of non-refoulement

در مورد این اصل ر.ک.: کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن، در:

United Nations, *Treaty Series*, vol. 189, No. 2545; *Ibid*, vol. 606, No. 8791.

83. internationally recognized principles of non-discrimination

در مورد این اصول نیز برای نمونه ر.ک.: ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)؛ و پاراگراف ۳ اعلامیه ۱۹۸۵.

84. United Nations Convention against Corruption (*A/RES/58/4, 31 October, 2003*).

اند، با افزودن کارشناسان<sup>۸۵</sup> به صف افراد شایسته حمایت، بر حق تأمین امنیت آنان تأکید ورزیده است. این حق حتی وابستگان و دیگر افراد نزدیک به آنان را به منزله بزه‌دیدگان نامستقیم در برمی‌گیرد (ماده ۱-۳۲). در کنار حق تأمین امنیت گواهان و کارشناسان، که به بزه‌دیدگان نیز تسری می‌یابد (۴-ب-۳۲)، حق ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیده، به منزله یکی از حقوق ممتاز بزه‌دیدگان، نیز در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است (ماده ۵-ب-۳۲). در این میان، چه در مورد حقوق گواهان و کارشناسان و چه درباره حقوق بزه‌دیدگان، هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم بر پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر اصل راه‌بردی نظام حقوق بشری بازتاب یافته در کنوانسیون ۲۰۰۳ مریدا نیز به شمار رفته است (مواد ۲-۳۲ و ۵-ب-۳۲).

### نتیجه‌گیری

نظام بین‌المللی حقوق بشر مجموعه اصول، هنجارها و ملاک‌هایی است که بر پایه آنها شناسایی کرامت و حقوق ذاتی، یکسان و خدشه‌ناپذیر انسان‌ها بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان شمرده شده (دیباجه اعلامیه جهانی حقوق بشر) و رواج دادن رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی یکی از هدف‌های ملل متحد به شمار می‌رود (دیباجه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). در بستر عدالت جنائی بین‌المللی (با تأکید بر سیاست جنائی سازمان ملل متحد)، بازتاب این اندیشه نخست به شناسایی حقوق متهمان و بزه‌کاران در چهارچوب مفهوم دادرسی عادلانه انجامید و با توجه به تعامل فزاینده دو جنبش حقوق بشر و حمایت از بزه‌دیده به تدریج به گستره بزه‌دیدگان نیز کشانده شد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت نظام بین‌المللی حقوق بشر به تدریج حقوق بزه‌دیدگان را گسترش داده است [۹:۲۰۵]. بدین سان، در پرتو هنجارهای بازتاب یافته در منشور بین‌المللی حقوق بشر که رعایت اصول دادرسی عادلانه را از حقوق بنیادی

متهمان و بزه‌کاران می‌شمارند (ماده ۱۱ اعلامیه جهانی، و ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی)، ملاک‌های بازتاب‌یافته در منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان نیز «دست‌رسی به عدالت و رفتار منصفانه» را به‌منزله حقوق بنیادی بزه‌دیدگان به رسمیت می‌شناسند (پاراگراف ۱۴ اعلامیه ۱۹۸۵، و اصول و رهنمودهای ۲۰۰۶). در این میان، از آنجا که رعایت هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم همواره به‌منزله اصل راه‌بردی حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار بر پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته شده است، می‌توان گفت که حقوق بزه‌دیده نیز از رکن‌های دادرسی عادلانه مدرن و امروزی به شمار می‌روند.

با وجود این، از آنجا که رعایت حقوق بشر را همواره باید از رهگذر قانون حمایت کرد (دبیاچه اعلامیه جهانی)، گرانگه این قانون‌گذاری را در عرصه حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار باید در قوانین اساسی نظام‌های حقوق داخلی جست‌وجو کرد. به سخن دیگر، قانون اساسی بازتاب‌دهنده همان هنجارهای نظام بین‌المللی حقوق بشر در قلمرو نظام حقوق داخلی است که تصویب قوانین عادی را می‌توان ضمانت‌اجرای اصول آن قرار داد. برای نمونه، افزون بر سندهای بین‌المللی حقوق بشری که با جرم‌انگاری نقض این حقوق، از بزه‌دیدگان آنها نیز حمایت می‌کنند (مانند کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، کنوانسیون منع ناپدیدسازی اجباری اشخاص ۲۰۰۷ و...)، قانون اساسی ایران با به رسمیت شناختن هنجارها و ملاک‌های حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، راه را برای جرم‌انگاری و در نتیجه، حمایت از بزه‌دیدگان نقض این هنجارها در قوانین کیفری ملی هموار ساخته است. در قانون اساسی، افزون بر حق دادخواهی (اصل ۳۴)، اصل قانونمندی جرم و مجازات (اصل ۳۶)، و فرض بی‌گناهی (اصل ۳۷)، نه تنها هر گونه شکنجه منع شده (اصل ۳۸) و برای مرتکب آن در قوانین کیفری مجازات تعیین شده است (مواد ۵۷۸ و ۵۷۹ ق.م.ا. ۱۳۷۵)، بلکه هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعیدشده، به هر شکل ممنوع (اصل ۳۹) و

موجب مجازات شناخته شده است (ماده ۵۷۰ ق.م.ا. ۱۳۷۵)<sup>۸۶</sup>.

از نظر گاه عدالت جنائی، این اصول را می توان بستر مناسبی برای رعایت هم‌ترازی حقوق متهم (بزه کار) و بزه دیده در چهارچوب دادرسی عادلانه به شمار آورد که از رهگذر قوانین عادی برخی از ملاک‌های منشور بین‌المللی حقوق بزه‌دیدگان را نیز بازتاب می‌دهند. برای نمونه، « قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» (۱۳۸۳/۲/۱۵)<sup>۸۷</sup>، ضمن بازتاب دادن هنجارهای نظام بین‌المللی حقوق بشر در عنوان خود، بر مهم‌ترین ملاک‌های حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار نیز تأکید می‌ورزد. بر این پایه، تصریح بند ۴ ماده واحده این قانون به رعایت کامل اخلاق و موازین اسلامی نسبت به همه را می‌توان در راستای حق بهره‌مندی از رفتار منصفانه ارزیابی کرد. همچنین، حق خانواده هر شخص دستگیر شده به مطلع شدن از جریان دست‌گیری و بازداشت (بند ۵ همان ماده واحده) را می‌توان هم‌سو با ملاک‌های حقوق بزه‌دیدگان در کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۷ درباره جنایت ناپدیدسازی اجباری قلمداد کرد.

قانون جامع حمایت از معلولان (۱۳۸۳/۲/۱۶)<sup>۸۸</sup> و قانون ساختار نظام رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۳/۲/۲۱)<sup>۸۹</sup> نیز هم‌سو با کنوانسیون ۲۰۰۷ حقوق ناتوانان برخی از مهم‌ترین حقوق این افراد آسیب‌پذیر را بازتاب می‌دهند. افزون بر تعریف معلول (ناتوان) در تبصره ۱ نخستین قانون، بستر مناسبی در این قانون برای بهره‌مندی ناتوانان از حق خدمات توان‌بخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه‌آموزی، از جمله در این موارد، فراهم آمده است: حق استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، فرهنگی...؛ حق بیمه؛ حق اشتغال و مسکن؛ و حق آموزش رایگان. قانون ساختار نظام رفاه و تأمین اجتماعی نیز قلمرو حمایت از افراد

۸۶ همچنین، ر.ک.: بندهای ۵ و ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حقوق شهروندی (۱۳۸۳/۲/۱۵) - مجلس شورای اسلامی).

۸۷ روزنامه رسمی، شماره ۱۷۲۴۹، ۱۳۸۳/۳/۲.

۸۸ روزنامه رسمی، شماره ۱۷۲۶۴، ۱۳۸۳/۳/۲۰.

۸۹ قانون ساختار نظام رفاه و تأمین اجتماعی (به همراه توضیحات و فهرست موضوعی): دفتر حقوقی و قوانین و مقررات وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، مؤسسه فرهنگی-هنری آهنگ آتیه، ۱۳۸۳.

آسیب‌پذیر را به کودکان و زنان بی‌سرپرست، و سالمندان می‌گستراند (ماده ج، ط-۱). این نظام حمایتی در ماده ۳ آیین‌نامهٔ چتر ایمنی رفاه اجتماعی (۱۳۸۴/۳/۲۲-هیئت وزیران)<sup>۹۰</sup>، افزون بر آسیب‌پذیران پیشین، به بیکاران، معتادان، و بیماران مزمن جسمی و روانی نیز تسری یافته است. همچنین، «منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۸۳/۶/۳۱-شورای عالی انقلاب فرهنگی)<sup>۹۱</sup> نخستین سند رسمی داخلی است که فهرست فراگیری از حقوق زنان را دسته‌بندی می‌کند. در این میان، حقوق هجده‌گانه قضائی زنان در فصل پنجم این منشور را می‌توان زمینه‌ساز حقوق هم‌تراز بزه‌دیده و متهم (بزه‌کار) در چهارچوب دادرسی عادلانه به شمار آورد که البته باید از رهگذر قوانین آیین دادرسی کیفری تضمین شوند.

در راستای احقاق سریع و مناسب حقوق طرف‌های دعوا (از جمله، بزه‌دیدگان) در فرایند آیین دادرسی کیفری، طرح جامع رفع اطالهٔ دادرسی (۱۳۸۴/۷/۳۰-مصوب رئیس قوه قضائیه)<sup>۹۲</sup> بر احقاق حقوق آنان از رهگذر سازوکار ارشاد و معاضدت قضائی تأکید کرده است. یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های این طرح سازوکار و کالت معاضدتی نام دارد که در صورت پیش‌بینی آن در قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند به حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان بیش‌تر کمک کند.

سرانجام، قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳/۴/۲۸)<sup>۹۳</sup>، که با الهام مستقیم ولی ناقص از پروتکل یکم ۲۰۰۰ کنوانسیون پالمو تصویب شده است، ضمن به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان خاص قاچاق انسان (با تأکید بر زنان و کودکان)، به حمایت کیفری ویژه از آنان بسنده کرده است.

یکی از سنجه‌های ارزیابی نظام عدالت جنائی کنکاش در هدف دادرسی‌های کیفری

۹۰. روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۷۵، ۱۳۸۴/۴/۱۱.

۹۱. روزنامه رسمی، شماره ۱۷۳۸۳، ۱۳۸۳/۸/۹.

۹۲. روزنامه رسمی، شماره ۱۷۶۸۷، ۱۳۸۴/۸/۲۲.

۹۳. روزنامه رسمی، شماره ۱۷۳۳۴، ۱۳۸۳/۶/۱۱.

است. هدف اصلی این دادرسی‌ها عبارت است از محکومیت و اعمال کیفر متناسب نسبت به بزه‌کار و تبرئه فرد بی‌گناه. هدف دیگر این دادرسی‌ها را می‌توان پرهیز از تحمیل درد و رنج، در دسررها یا کیفر افزون بر کسانی دانست که در راستای تحقق هدف اصلی نقش دارند. از این نظرگاه، می‌توان گفت که متهم باید به منزله کانون اصلی دادرسی‌های کیفری باقی بماند و از این رو، اشتباه‌های قضائی و محکومیت نادرست افراد بی‌گناه یکی از خطرهای مهمی است که همواره نظام عدالت جنائی را تهدید می‌کند.

اگر چه این مسأله ممکن است با نگرش یا روی کرد دولت نسبت به این نظام تفاوت داشته باشد، به نظر می‌رسد که در نگرش دولت هدف این نظام باید کاهش جرم از رهگذر پیش‌گیری از بزه‌کاری، اجرای منصفانه و اثربخش عدالت، و رواج دادن اطمینان از حاکمیت قانون باشد. همچنین، دولت باید خود را پای‌بند به هم‌تراز کردن حقوق بزه‌دیدگان و متهمان بسازد. زیرا، تردیدی نیست که وزنه عدالت جنائی پیش از این بیش‌تر به سود متهمان سنگینی کرده است. در این میان، نباید فراموش کرد که تمایز مهمی میان آنچه حقوق شکلی برای بزه‌دیدگان (یعنی حقوقی که به فرایند دادرسی مربوط می‌شوند) و حقوق خدماتی یا خدمات حمایتی (یعنی حقوق و خدماتی که حتی بیرون از نظام عدالت جنائی و دادرسی‌های کیفری ممکن است برای حمایت از بزه‌دیده به کار بسته شوند) وجود دارد. اگر چه حقوق خدماتی به طور کلی اثر اندکی بر وضعیت متهمان می‌گذارند، حقوق شکلی بیش‌تر ممکن است حقوق متهمان را پایمال کنند. به سخن دیگر، نظام عدالت جنائی با تمرکز بر مفهوم هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم ممکن است انتظارهای نادرستی را برای بزه‌دیدگان، خانواده آنان و حتی جامعه ایجاد کند و در عین حال، به نادیده گرفته شدن برخی از حقوق متهمان بینجامد. در نتیجه، در به کار بستن راه‌برد هم‌ترازی در بستر دادرسی عادلانه، نظام عدالت جنائی همواره باید مراقب باشد که منافع بزه‌دیدگان به ابزاری برای نقض حقوق متهمان تبدیل نشود. دادرسی عادلانه تنها در این سطح است که می‌تواند بر

پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر به هم‌ترازی حقوق بزهدیده و متهم (بزہ کار) جامه عمل بیوشاند.

### فهرست منابع

۱. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزهدیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته؛ مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۹، ۱۳۸۵.
۲. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزهدیدگان و نظام عدالت جنائی؛ مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳-۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۳. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزهدیده‌شناسی حمایتی؛ نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزهدیده‌شناسی حمایتی در اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزهدیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت؛ مجله پژوهش‌های حقوقی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش)، شماره ۷، نیمسال اول ۱۳۸۴.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد؛ جرم‌انگاری سوءاستفاده از قدرت در پرتو تعامل نظام حقوق بشر و حقوق کیفری؛ رساله برای دریافت درجه دکترا در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، اسفند ۱۳۸۵.
۶. عدالت برای بزهدیدگان؛ مترجم: شایان، علی؛ معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه، مرکز توسعه قضائی، نشر سلسبیل، ۱۳۸۴.
۷. محمودی جانکی، فیروز؛ حق دفاع متهم؛ در: علوم جنائی (مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر)؛ نشر سلسبیل، ۱۳۸۴.
8. Bassiouni, M. Cherif; **International Protection of Victims**; Paris, Association International De Droit, 1988.
9. Bassiouni, M. Cherif; **International Recognition of Victims Rights**; Human Rights Law Review, 6:2, 2006.
10. Garkawe, Sam; **Victims and the International Criminal Court: Three Major Issues**; International Criminal Law Review, 3: 2003.
11. Garner, Bryan A.; **Black's Law Dictionary**; U.S.A., Thomson West,

- 2004.
12. **Guide for Policy Makers on the Implementation of the United Nations Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power**; UNODCCP, New York, 1999.
  13. **Implementing Victims' Rights**; A Handbook on the Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation, REDRESS seeking reparation for torture survivors, March 2006.
  14. Rayejian Asli, Mehrdad; **Iranian Criminal Justice System in Light of International Standards Relating to Victims**; European Journal of Crime, Criminal Law & Criminal Justice, vol. 14, Issue 2.
  15. Van Dijk, Jan J. M.; **Introducing Victimology**, in Van Dijk, Jan J. M.; Van Kaam, Ron G.H. and Wemmers, JoAnne [eds.]; *Caring for Crime Victims: Selected Proceedings of the Ninth International Symposium on Victimology*, Criminal Justice Press, 1999.
  16. Vlassis, Dimitri; **The United Nations Convention against Corruption: Overview of Its Contents and Future**; Resource Material Series, No. 66, 2004.